

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزبانک، بانک مورد اعتماد همه



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز

صلح بازنده ها

عطا محمد نور شام دیروز با حکم رئیس جمهور رسماً به عنوان والی بلخ تعیین شد. کسی که سالهاست به عنوان والی بلخ معترض جدی و همیشگی زمامداران کابل بوده، با طرح آشتی جویانه‌یی که در کابل مطرح کرد، دوباره رهبری همان ولایت را به دست آورد. عطا محمد نور ولایت بلخ را غیرقابل مذاکره اعلام می‌کرد.

واقعیت اما این است که هر دو طرف پس از دو سال رویارویی سیاسی، سرانجام از برابر هم دور شدند و هر یک در جایگاه اولشان قرار گرفتند. عطا محمد نور یکی از جدی ترین منتقدان رئیس جمهور غنی بود. همواره نشان داده بود که صرفاً یک والی نیست، بلکه می‌تواند جدی ترین طرف سیاسی غنی نیز باشد. از زمانی که آقای نور وارد مذاکره با رئیس جمهور غنی شد، آن هم به قیمت بروز تنش در میان سران حزب جمعیت اسلامی و انتقاد شدید از عبدالله عبدالله، تاکنون وی تأکید می‌کرد که برای توازن قدرت و به دست آوردن «حق مردمش» با غنی گفت‌وگو می‌کند. در یک مورد، نقل شد که آقای نور بر سر «۱۵ سناتور، ۱۴ والی و ۳۰ معین و چند پست دیپلماتیک» با رئیس جمهور غنی مذاکره می‌کند. در مصاحبه با بی‌بی‌سی نیز گفته بود که احتمالاً برای انتخابات ریاست جمهوری در یک تیم سیاسی آماده خواهد شد. از این جهت، پایان رویارویی عطا محمد نور که در پی تخریب قدرت رئیس جمهور بود...

ادامه در صفحه ۲

روز بازگشت



صفحه ۲

نور و دوستم به دفتر و نامه‌ی حکومت به اسلام آباد



صفحه ۵

جعل یومف!

دانشگاهی که از رئیس جمهور تا دانشجورا فریب داد

در تاریخ ۲۴ دلو امسال، اطلاعیه‌یی از سوی وزارت تحصیلات عالی نشر شد که در آن از دانشجویان دانشگاه یومف سویس (شاخه‌ی افغانستان) خواسته بود، برای «تعیین سرنوشت‌شان» به ریاست پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی مراجعه کنند. دانشگاهی که به دلیل کیفیت و اعتبار سندش، بالاترین فیس تحصیلی را از محصلینش می‌گرفت، چه برسرش آمده که حالا این دانشجویان برای «تعیین سرنوشت» شان باید به وزارت تحصیلات عالی مراجعه کنند؟ آیا دروازه‌ی این دانشگاه بسته می‌شود؟

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن کریدت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد! برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه تقاضای پول و یا کریدت نمی کند.



این پیشکش الی 10 فور 1396 ادامه دارد.

راجستر سیمکارت حتمی است. مشتریانی این جوایز را بدست آورده میتوانند که سیمکارت به اسم خودشان ثبت باشد.



www.afghan-wireless.com

152 (24 HRS)

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

و محمد اشرف غنی که به دنبال کاهش اقتدار والی بلخ بود، با باخت هر دو طرف به پایان رسید. جدال سیاسی‌یی که در لایه‌های جامعه اسباب شکاف و فاصله‌ی بیشتری را فراهم آورد، و تنش‌های اجتماعی و سیاسی را جدی‌تر و عمیق‌تر ساخت، هیچ نتیجه‌یی ندارد. زیرا رییس‌جمهور غنی نیز در واقعیت امر به کمتر از خلع قدرت عطا محمد نور و برکناری کم‌هزینه‌ی او از ولایت بلخ راضی نبود. به همین خاطر، او در فوری‌ترین اقدامش علیه رقیب جدی زمان انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش، فرمان برکناری او را در کنار والیان دیگر صادر کرد. آقای غنی نیز به این آرزویش نتوانست نزدیک شود. اما این مجادله‌ی سیاسی در سطح جامعه دو آسیب جدی وارد کرد.

اول؛ از این جهت که این تنش‌ها رنگ و بوی قومی یافت، باعث افزایش تنش‌های قومی شد. این وضعیت را می‌توان در هیأت گسترش میزان تنفر قومی، بدگویی و شکل‌گیری نوعی رویکرد ناسیونالیستی در میان گروه‌های قومی مشاهده کرد. این آسیب به هیچ‌وجه ساده نیست. تنش‌های قومی پیشینه‌ی تاریخی‌یی به قدمت تشکیل دولت-ملتی به‌نام افغانستان دارد و همواره نیز پایانش فاجعه‌بار بوده است. این تنش‌ها بارها منجر به بروز فجایعی مانند کشتار قومی شده است. برانگیختن این تنش‌ها با چنین پس‌منظری آسیب غیر قابل اغمازی است.

دوم؛ بی‌اعتمادی سیاسی پدیده‌ی تازه‌یی نیست. سیاست‌مداران همواره برخلاف تعهدات و گفته‌های‌شان عمل کرده‌اند. مایه‌ی شگفتنی نیست که ببینیم کسی به راحتی از کنار وعده‌هایش گذشته است. اما نمی‌توان آثار آن‌را در گسترش بی‌اعتمادی سیاسی نادیده گرفت. دیوارهای امید به کلی فرو می‌ریزد. چه این‌که هر دو طرف برای یک رویارویی شخصی سخنانی بر زبان راندند که مایه‌های برانگیزاننده‌ی تنش‌های قومی را با خود داشت و کوشیدند تا سوار بر موج تنش‌های قومی و گروهی که پایانش هیچ سودی برای مردم ندارد. نه در آن می‌توان رنگی از قانون‌گرایی دید و نه می‌توان نشانی از تعهد جست. هرچه هست، معامله‌یی در سطح کوچک منافع سیاسی اقتصادی فردی اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد اکنون در میان سران حزب جمعیت اسلامی نیز اجماع نظر چندانی وجود ندارد. چه این‌که گفت‌وگوهای آقای نور به بیشتر شدن تنش‌های میان سران این حزب نیز منجر شد.

از یک منظر کلان‌تر می‌شود گفت که همواره مخالفت‌های قومی و تنفر اجتماعی به رقابت‌های سیاسی ربط داشته است. سیاست‌مداران متأسفانه وجه اخلاقی مسئولیت‌های‌شان را در نظر نگرفته‌اند. می‌توان ردپای وضعیت موجود را که در آن فساد و بحران سیاسی و امنیتی در کنار هم قرار گرفته‌اند، در همین سهل‌انگاری اخلاقی و برخورد اغماض‌آمیز آنان با مسئولیت دید. به هر حال، نمی‌توان نتیجه گرفت که این کشمکش‌ها عملاً به پایان رسیده است. با این‌که می‌توان گفت دیگر از شدت آن تا حد زیادی کاسته خواهد شد، اما خاموش نمی‌شود. آقای نور قطعاً به تجدید مناسباتش اقدام خواهد کرد. تنگنای اقتصادی که او را به کابل کشاند، می‌تواند دوباره رفع شود. ریاست‌جمهوری نیز بر اعمال کنترل بیشتر بر او مصر خواهد ماند. مع‌الوصف می‌توان عجلاناً توافق والی و رییس‌جمهور را توافق بازنده‌ها نتیجه گرفت.

روز بازگشت

نور و دوستم به دفتر و نامه‌ی حکومت به اسلام آباد

اطلاعات روز: دیروز (دوشنبه، ۲ حوت) سه خبر در افغانستان بازتاب گسترده‌یی داشت. در آغاز وزارت خارجه از سپردن نامه‌یی حاوی لیست مراکز فعال تروریستی در خاک پاکستان به اسلام‌آباد خبر داد، سپس خبر بازگشت دوستم به دفتر کارش و شام روز خبر تقرر عطا محمد نور به‌حیث والی بلخ منتشر شد.

وزارت خارجه‌ی کشور نامه‌یی حاوی لیست ۳۲ مرکز آموزشی تروریستی که علیه افغانستان در خاک پاکستان فعالیت دارند، را به مقامات پاکستانی تسلیم نموده است. این وزارت با نشر خبرنامه‌یی گفته است که این نامه امروز توسط سفیر افغانستان در اسلام‌آباد به مقامات پاکستان تسلیم داده شده و از آنان خواسته شده تا علیه این مراکز اقدام کنند.

وزارت خارجه گفته است که علاوه بر لیست این مراکز آموزشی، نام ۸۵ نفر از مقامات و رهبری طالبان و سایر گروه‌های تروریستی به‌شمول شبکه‌ی حقانی که مسئول انجام جنایت علیه مردم افغانستان بوده‌اند، تکراراً به پاکستان تسلیم داده شده تا پاکستان در دستگیری و تسلیم‌دهی آنان به دولت افغانستان اقدام کنند.

در خبرنامه‌ی این وزارت آمده است: «قابل ذکر است که پاسخ ابتدایی مقامات پاکستان در برابر این لیست‌ها، صبح امروز مثبت بوده و ما امیدواریم در خصوص آن اقدامات عملی صورت گیرد.»

به گفته‌ی وزارت خارجه، دولت افغانستان یکبار دیگر می‌خواهد تا با حکومت پاکستان به‌طور مشترک، مخصوصاً در چارچوب گروه هماهنگی چهارجانبه در مورد لیست‌ها و نگرانی‌های دو کشور مسئولانه اقدام و بحث نماید.

در خبرنامه آمده است که دولت افغانستان تاکید می‌کند در صورتی که خشونت‌ها در برابر مردم افغانستان ادامه پیدا کند، حکومت افغانستان به تلاش‌های خود در خصوص تعذیرات بیشتر علیه گروه‌های تروریستی و حامیان‌شان از طریق میکانیزم‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، اقدام خواهد کرد.

وزارت خارجه‌ی افغانستان درحالی این نامه را به اسلام‌آباد تسلیم می‌کند که به روز جمعه و به دنبال یک حمله‌ی انتحاری در ایالت سند پاکستان، ارتش پاکستان اعلام کرد لیست ۷۶ تروریستی را به افغانستان سپرده است که در خاک افغانستان پنهان شده‌اند.

دوستم به دفتر کارش بازگشت

جنرال عبدالرشید دوستم، معاون نخست رییس‌جمهور به تاریخ ۱۱ اکتوبر سال گذشته‌ی میلادی/ ۲۰ میزان سال جاری خورشیدی برای چندمین بار کابل را به قصد شمال ترک کرد.

سفر آخری دوستم در شمال کشور این‌بار بیشتر خبرساز شد. دلیلش این بود: او به روز جمعه، پنجم قوس زمانی که هزاران نفر مشغول تماشای بزکشی در جوزجان بودند، احمد ایشچی، یک هم‌بازی دوران کودکی خودش را لت‌وکوب کرد.

پس از آن جنرال دوستم ادعا کرد ایشچی را او لت‌وکوب نکرده بلکه مسئولان امنیتی او را در رابطه به تمویل مخالفین و دست داشتن در ناامنی‌های پی‌درپی در ولایت جوزجان بازداشت کرده‌اند.

اما در اواخر ماه قوس ایشچی به کابل آمد و این بار ادعا کرد جنرال دوستم پس از لت‌وکوب، تلاش کرد بر وی تجاوز کند و به ده محافظش دستور داد تا آنان نیز بالای ایشچی تجاوز کنند.

او در آن زمان گفته بود که سربازان و

محافظان دوستم با اسلحه محل نزدیک به مقعدش را پاره کرده و خودشان وانمود می‌کردند که بر وی تجاوز می‌کنند و فیلم می‌گرفتند.

پس از آن نمایندگی اتحادیه‌ی اروپا در افغانستان و سفارت‌های امریکا و بریتانیا، کمیسیون حقوق بشر و شماری دیگر از نهادها از رفتار جنرال دوستم با ایشچی ابراز نگرانی کرده و خواستار تحقیق همه‌جانبه شدند.

ارگ ریاست‌جمهوری پس از آن بیانیه‌یی صادر کرد که در آن به بررسی ادعای ایشچی از طریق نهادهای قضایی تأکید شده بود.

به تاریخ ۲۶ قوس سال جاری دادستانی کل هم اعلام کرد که کار بررسی ادعای ایشچی علیه جنرال دوستم را آغاز کرده است.

بعدتر دادستانی کل حکم بازداشت ۹ محافظ جنرال دوستم را صادر کرد و وزارت داخله برای بازداشت این افراد آمادگی‌اش را اعلام کرد.

سپس به تاریخ ۸ دلو این نهاد گفت پس از تکمیل شدن تحقیقات از وزارت داخله خواستار بازداشت این افراد شده اما وزارت داخله تا به حال اقدام نکرده است.

وزارت داخله اما گفته بود که محافظان آقای دوستم در اداره‌ی امنیت ملی و در بخش رجال برجسته ثبت هستند.

جنرال دوستم پیش از ۲۰ میزان نیز چندین بار به شمال رفته بود و فرماندهی جنگ در برابر تروریستان را به عهده گرفته بود. دیروز اما پس از چهار ماه از آخرین سفرش به شمال آقای دوستم دوباره به دفتر کارش در معاونت اول بازگشت.

نزدیکان آقای دوستم گفته‌اند او پیش از چاشت روز دوشنبه در دفتر کارش با شماری از مشاورانش ملاقات کرده است.

پس از چاشت همین روز نیز جنرال دوستم با جمعی از نمایندگان مجلس نمایندگان، مشاوران معاونت اول، متنفذین و بزرگان برای گرم‌آبادش از کشته شدن سفیر و پنج دیپلمات امارات متحده‌ی عربی به سفارت امارات در کابل رفت.

رییس‌جمهور حکم تقرر عطا محمد نور به‌حیث والی بلخ را صادر کرد

رییس‌جمهور اشرف غنی با صدور حکمی تقرر عطا محمد نور را به‌حیث والی ولایت بلخ منظور کرده است.

در این حکم آمده است: «به تاسی از حکم فقره (۱۳) ماده‌ی شصت‌وچهارم قانون اساسی کشور، و به‌منظور استفاده از تجارب و اندوخته‌های اهل خبره در امر حکومتداری محلی، تعیین سترجنرال عطا محمد نور را به‌حیث والی ولایت بلخ منظور می‌نمایم.» عطا محمد نور پیش از این به‌حیث سرپرست ولایت بلخ ایفای وظیفه می‌کرد. او دو سال قبل توسط رییس‌جمهور به‌عنوان بخشی از برکناری دسته‌جمعی والی‌های تمام ۳۴ ولایت، از مقام ولایت بلخ برکنار شد. آقای نور یکی از حامیان اصلی عبدالله عبدالله در انتخابات ۱۳۹۳ بود و پس از آن هرازگاهی از تیرگی روابط میان او و رییس‌جمهور غنی گزارش شد.

او در اواسط حمل امسال گفته بود که کسی نمی‌تواند به زور او را برکنار کند. او گفته بود: «رییس‌جمهور باید به من تصدیق‌نامه بدهد.»

اخیراً آقای نور از ولایت بلخ به کابل آمد و مذاکراتی را با رییس‌جمهور آغاز کرد. پس از آن او گفت دیگر به توانایی‌های عبدالله عبدالله باور ندارد و به همین دلیل او مذاکرات مستقیم را با رییس‌جمهور شروع کرده است.

بایومتریک داوطلبان امتحان کانکور آغاز شد

اطلاعات روز: وزارت تحصیلات عالی کشور از مجیز شدن روند ملی امتحانات کانکور با سیستم بایومتریک برای نخستین بار خبر داده و می‌گوید پس از این از مداخله‌ی اشخاص غیرقانونی به‌صورت قطع جلوگیری می‌شود.

این سیستم دیروز، دوشنبه در دانشگاه پولی تخنیک کابل افتتاح شده و بایومتریک اولین گروه داوطلبان امتحان کانکور جمع‌آوری شد.

فریده مومند، سرپرست وزارت تحصیلات عالی تطبیق این سیستم را در روند امتحان کانکور یک دستاورد بازارش و نویدی برای دولت، وزارت تحصیلات و جوانان شامل در این روند خواند و گفت با تطبیق این سیستم امتحان کانکور نسبت به سال گذشته شفافیت بیشتری را دارا خواهد بود. به گفته‌ی خانم مومند پس از این تنها آن‌عده داوطلبانی که بایومتریک می‌شوند، می‌توانند شامل امتحان شوند و جلو افرادی که تلاش می‌کنند به جای دیگران امتحان بدهند، گرفته می‌شود.

او گفت نه‌تنها داوطلبان کانکور در این روند بایومتریک می‌شوند بلکه پس از معرفی به نهادهای تحصیلی نیز به اساس همین سیستم شناخته خواهند شد.

قرار است اطلاعات بایومتریک حدود ۲۰۰ هزار داوطلب امتحان کانکور برای امتحان پیشرو ثبت شود. گرفتن نشان انگشت، عکس چشم و اطلاعات شخصی دیگر شامل این روند می‌شود.

فریده مومند همچنان گفت که این سیستم در سال جاری در تمام ولایات کشور تطبیق گردیده و به اساس کدهای تعیین‌شده داوطلبان می‌توانند شامل امتحان شوند.

این سیستم به حمایت سفارت امریکا و برنامه‌ی USWDP ایجاد شده و در حال حاضر به همکاری برنامه‌ی حمایت از دانشگاه و انکشاف نیروی بشری ۳۰ پایه جمکت (آله‌ی بایومتریک) و دو پایه ماشین چاپ کارت رنگه به ریاست امتحان کانکور خریداری شده است.

خانم مومند همچنان از افزایش شمولیت دختران در نهادهای تحصیلی در کانکور سال گذشته یاد کرد و گفت رقم سه هزار ست برای جذب دختران در سال گذشته در سال جاری به پنج هزار تن افزایش خواهد یافت.

وزارت تحصیلات عالی در حالی از بایومتریک شدن داوطلبان کانکور خبر می‌دهد که روند کانکور همه سال پیش از این با مشکلات زیادی به همراه بوده است.

پیش از این همه ساله امتحان کانکور در ختم سال اخذ می‌شد اما چندی پیش سخن‌گوی وزارت تحصیلات اعلام کرد که براساس تصویب کابینه‌ی دولت قرار است بعد از این امتحان کانکور از ۲۵ حوت آغاز و در ماه سرطان سال بعدی ختم شود. نتایج کانکور در ماه اسد اعلام می‌شود.

۸ سرباز پولیس در بادغیس به اتهام فروش حدود شش هزار مرمی به طالبان بازداشت شدند

اطلاعات روز: مقامات ولایت بادغیس گفته‌اند ریاست امنیت ملی بادغیس هشت سرباز قوماندانی امنیه‌ی این ولایت را به اتهام فروش نزدیک به شش هزار فیر مرمی به طالبان بازداشت کرده است. ظاهر بهاند، سخن‌گوی والی بادغیس می‌گوید چهار تن از این افراد بازداشت‌شده به جرم خود اعتراف کرده‌اند.

به گفته‌ی وی این افراد شامل مدیر تخنیک و مسئول دیپوی سلاح و مهمات قوماندانی امنیه‌ی ولایت بادغیس هستند.

او به رسانه‌ها گفته است: «۸ تن از منسوبین قوماندانی امنیه‌ی ولایت بادغیس که می‌خواستند ۵۵۸۰ فیر مرمی کلاشینکوف که در بین آن مرمی‌های رسام شامل است، می‌خواستند به مخالفان مسلح دولت به فروش برسانند که عملاً از سوی ریاست امنیت ملی بازداشت شدند.»

سخن‌گوی والی بادغیس همچنان گفته است که افراد بازداشت شده چهار ماه قبل ۷۵ هزار فیر مرمی را از دیپوی قوماندانی امنیه به طالبان به فروش رسانده بودند.

در همین حال فرمانده پولیس ولایت بادغیس نیز گفته است که حدود یک سال قبل نیز یک کارمند مدیریت تخنیک این اداره در ارتباط به فروش اسلحه به مخالفان مسلح دولت بازداشت شده بود.

شورای ولایتی بادغیس نیز نفوذ طالبان در میان نیروهای امنیتی را تایید کرده است. حاجی محمد ناصر نظری، یک عضو این شورا به رادیو آزادی گفته است که افراد وابسته به گروه طالبان در مناطق مختلف ولایت بادغیس با استفاده از افراد ارتباطی‌شان حملات مسلحانه را بالای پوسته‌های نیروهای امنیتی انجام می‌دهند.

بیش از حد جمعیت به تعقیب خونریزی‌های وحشتناک دچار فروپاشی شد، چنان که مایاها در گذشته فروپاشید. روندا و کشور همسایه‌اش برونیدی ظاهر به دلیل خشونت‌های قومی شهرت بد دارند، اما خواهیم دید که افزایش بی‌رویهی جمعیت، تغییرات محیط زیست و تغییرات آب و هوا دینامیزی را فرا هم کرد که خشونت‌های قومی فتنه‌ی آن شد.

جمهوری دومینیکن و هاییتی (فصل ۱۱) که جزیره‌ی هسپانیولا را بین هم تقسیم کرده‌اند، نمونه‌ی روابط تیره و تار را ارائه می‌کنند. همانند روابطی که جوامع نئوس و انیویته‌ها در گرینلند باهم داشتند. پس از چند دهه حاکمیت‌های فاسد استبدادی در هر دو کشور، هاییتی به‌عنوان یک مورد تراژیک در جهان معاصر عرض وجود کرد، در حالی که نشانه‌هایی از امید برای پیشرفت در جمهوری دومینیکن دیده می‌شود. مبدا تصور شود که این کتاب جبریت محیط زیست را تبلیغ می‌کند. تجربه‌ی کشور دومی نشان می‌دهد که یک فرد، مخصوصاً اگر رهبر کشور باشد می‌تواند تفاوت بزرگی را ایجاد نماید.

چین (فصل ۱۲) از موجودیت ۱۲ نوع حاد چالش‌های محیط‌زیستی رنج می‌برد، زیرا چین از لحاظ اقتصادی، جمعیت و سرزمین کشوری خیلی بزرگ است. تأثیرات محیط زیست و اقتصاد چین نه‌تنها برای مردم خودش بلکه برای دنیا نیز مهم است.

استرالیا (فصل ۱۴) نقطه‌ی مقابل مونتانا، به‌مثابه‌ی جامعه‌ی جهان اول دارای آسیب‌پذیرترین محیط زیست بوده، حادث‌ترین چالش‌های محیط‌زیستی را تجربه می‌کند. در نتیجه، از جمله‌ی کشورهای به‌حساب می‌رود که برای حل این دشواری‌ها به‌گونه‌ی رادیکال جامعه‌ی خود را بازسازی می‌کند.

بخش چهارم کتاب به‌عنوان نتیجه‌گیری، به فشرده‌ی درس‌های عملی برای امروز، اختصاص دارد. فصل ۱۴ پرسش‌های چالش‌برانگیزی را که در مورد همه‌ی جوامعی که در گذشته خود را نابود کرده‌اند، مطرح می‌نماید. و این پرسش‌ها ساکنان آینده‌ی کروی زمین را نیز گیج خواهد کرد اگر آنها نیز خود را به‌دست خود نابود کنند: چگونه خطراتی را که ما امروز با مرور گذشته به‌روشنی می‌توانیم ببینیم، جامعه‌ی گذشته نتوانسته آن را ببیند؟ آیا می‌توان گفت نابودی آنان اشتباه خودشان بود یا برخلاف آنان قربانی تراژیک چالش‌های حل‌ناشدنی بودند؟ چه اندازه آسیب‌های محیط زیست گذشته غیرعمدی، غیرقابل دید بودند؟ و چه اندازه بساخته‌ی دست مردمی بود که وانمود می‌کردند آگاهی کامل از نتایج آن دارند؟ به‌گونه‌ی مثال، آیا ساکنان جزیره‌ی ایسترچی استدلال می‌کردند وقتی آخرین درخت جزیره‌ی خود را قطع می‌کردند؟

در فصل ۱۵ به ارزیابی تجارت معاصر پرداخته شده. برخی از این تجارت‌ها از جمله‌ی مهلک‌ترین نیروهای تخریب‌کننده‌ی محیط زیست است، در حالی‌که دیگران شرایط مؤثر رعایت محیط زیست را فرا هم می‌سازند. بایستی آزمایش کنیم که چرا برخی از تجارت‌ها رعایت محیط زیست را به نفع خود یافته‌اند، و چه تغییراتی نیاز است تا سایر تجارت‌ها نیز آن را مطابق منافع خود دانسته و از آن تقلید کنند.

سرانجام، فصل ۱۶ انواع خطرات محیط‌زیستی را که جهان معاصر با آن روبه‌رو است خلاصه می‌کند. اعتراضات کمونیستی علیه ادعاهای جدی‌شان افزایش یافته، و تفاوت میان خطرات محیط زیست امروز و خطراتی که جوامع گذشته با آن روبه‌رو بوده‌اند. عمده‌ترین تفاوت به مسأله‌ی جهانی شدن ربط دارد. روندی که عمده‌ترین عامل بدبینی و خوشبینی ما نسبت به چگونگی حل چالش‌های کنونی محیط زیست را تشکیل می‌دهد. جهانی شدن فروپاشی جوامع معاصر در اثر انزوای امکان‌ناپذیر می‌سازد. چنان‌که جزیره‌ی ایستر ونورس گرینلند در گذشته فروپاشیدند. هر جامعه درگیر آشفتگی امروزه صرف‌نظر از اینکه چقدر دور است (مانند سومالی و افغانستان) می‌تواند برای جوامع مرفه درد سر ایجاد کند، و هم‌چنان آنان را در معرض نفوذ خود قرار دهد (چه مفید واقع شود یا بی‌ثبات سازد). برای نخستین بار در تاریخ ما با خطر یک فروپاشی جهانی روبه‌رو هستیم. اما نخستین باری است که ما از شناسن آموختن سریع توسعه‌ی جوامع در هر نقطه‌ی از جهان که باشد و گشودن راه‌های هر یک از جوامع گذشته در هر زمانی برخوردار هستیم. از همین رو من این کتاب را نوشتم.

فروپاشی

بخش هفتم ■ جارد دایموند

زیست، تغییرات آب و هوا، از دست رفتن روابط دوستانه با نواروی، تیره‌گی روابط با انیویته‌ها (۲) و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نئوس گرینلند. گرینلند نزدیکترین تخمین‌ها را برای یک آزمایش کنترل‌شده در مورد فروپاشی برای ما فرا هم می‌کند، اما با فرهنگ‌های بسیار متفاوت. چنان‌که یکی از این جوامع نابود می‌شود در حالی‌که دیگری نجات می‌یابد. بنابراین، تاریخ گرینلند این پیام را می‌رساند که حتی در سخت‌ترین شرایط محیط‌زیستی، فروپاشی اجتناب‌ناپذیر اما بسته به انتخاب یک جامعه است. هم‌چنان مقایسه میان نئوس گرینلند و پنج جامعه‌ی دیگر اتلانتیک شمالی که به‌واسطه‌ی استعمارگران نئوس تاسیس شده‌اند، کمک می‌کند تا بدانیم چرا نئوس اورکنی **orkney** روبه شگوفایی بود، در حالی‌که سایر اقارب گرینلندی‌های‌شان از پا در آمدند. آیسلند یکی از همان پنج جامعه‌ی دیگر نئوس است که حکایت پیروزی خارق‌العاده بر محیط زیست آسیب‌پذیر را در رسیدن به بلندترین سطح رفاه مدرن با خود دارد.

بخش دوم (فصل ۹) شامل داستان سه جامعه‌ی دیگر (همانند آیسلند) است که پیروز شدند. به‌عنوان یک مورد خلاف برای درک چگونگی جوامعی که سقوط کردند. در حالی‌که این سه جامعه در مقایسه با آیسلند و یا بیشتر آن‌هایی که سقوط کردند کمتر با مشکلات شدید محیط‌زیستی روبه‌رو بوده‌اند. بایستی به دو روش متفاوت پیروزی در این مورد توجه کرد: رویکرد «از پایین به بالا» که نمونه‌های آن ارتفاعات تیکوپیا **Tikopia** و نیوگینی‌اند، و رویکرد «از بالا به پایین» که نمونه‌ی آن جاپان عصر توکو گاوا است.

بخش سوم، برمی‌گردد به جهان مدرن که پیش از این در (فصل ۲) مانندای معاصر از آن بحث کردیم. و حالا از چهار کشور به‌طور قابل ملاحظه‌ی متفاوت بحث می‌کنیم. دو تا از این کشورها کوچک و دو تای دیگرشان خیلی بزرگ: فاجعه‌ی جهان سوم (روندا) و یک کشور جهان‌سومی که کماکان نجات یافته (جمهوری دومینیکن)؛ کشور جهان سومی که برای رسیدن به سطح جهان اول غول آسا در حال مسابقه است (چین)، و یک جامعه‌ی مربوط جهان اول (استرالیا): روندا بیانگر فاجعه‌ی از نوع مالتوسی است که در برابر چشمان ما واقع شد. سرزمینی که با افزایش

فاجعه‌ی ایستر نه پیامد نفوذ دشمنانش بود و نه دوستانش و نه هم ما شواهدی از نقش تغییرات اقلیمی در ایستر داریم. با آن‌هم می‌توان از خلال مطالعات آینده به حقایقی دست یافت. تحلیل‌های من و بیری رولت می‌تواند کمک کند تا بدانیم چرا جزیره‌ی ایستر یا درکل جزایر پاسیفیک با یک چنین فروپاشی روبه‌رو شدند.

جزایر پیتکرن و هندرسن (فصل ۳) که هم‌چنان توسط مردمان پولینیزی مسکون شده بود، مصداق ماده‌ی چهارم چارچوکات پنج نکته‌ی من است: از دست دادن حمایت جوامع همسایه‌ی دوست. هردو، پیتکرن و هندرسن از آسیب‌های محیط زیست محلی رنج می‌بردند، ولی ضربه‌ی مهلک از طرف شریک تجارته‌شان وارد شد، همسایه‌ی که در اثر یک فاجعه‌ی محیط‌زیستی فروپاشید. اینجا نشانه‌ی از تأثیرات پیچیده‌ی همسایه‌های دشمن و تغییرات اقلیمی دیده نمی‌شود.

ثبت فوق‌العاده دقیق وضعیت اقلیمی از روی حلقه‌های درخت، در جامعه‌ی بومی امریکایی اناسوزی جنوب غرب ایالات متحده (فصل ۴) به‌روشنی تقاطع محیط زیست و رشد جمعیت با تغییرات اقلیمی (مورد خشکسالی) را نشان می‌دهد. دلایل عمده‌ی سقوط اناسوزی، نه روابط دوستی یا دشمنی همسایه‌ها، و نه (به استثنای آخر) جنگ بوده است. هیچ کتابی در زمینه‌ی فروپاشی اجتماعی نمی‌تواند بدون مراجعه به مورد مایاها (فصل ۵) تکمیل باشد. پیشرفته‌ترین جامعه‌ی بومی امریکایی پر از رمز و راز ناب رمانتیک شهرهای پوشیده با جنگل‌های انبوه. مانند اناسوزی، مورد مایاها نشان‌دهنده‌ی آمیزه‌ی از تأثیرات آسیب محیط‌زیستی، رشد جمعیت و تغییرات اقلیمی بدون نقش اساسی همسایه‌های دوست است. برخلاف فروپاشی مورد اناسوزی، شهرهای مایاها از همان مراحل اولیه با همسایه‌های دشمن درگیری داشته‌اند. از میان جوامعی که در فصل‌های ۲ تا ۵ از آن بحث می‌شود، تنها مایاها یک سند نوشتاری رمزگشا راجهت استفاده ارائه می‌کنند.

نورس گرینلند (فصل‌های ۶-۸) پیچیده‌ترین مورد فروپاشی پیش از تاریخ را ارائه می‌کند. موردی که ما بیشترین معلومات را درباره‌اش داریم (به دلیل این‌که یک جامعه‌ی شناخته‌شده و باسواد اروپایی بود). آنچه که می‌تواند بیشترین مورد تعمیم را در این بحث ضمانت کند: گوسفند دومی در شکم مار بو (۱) است. هر پنج مورد چارچوب پنج نکته‌ی من به‌خوبی مستندسازی شده‌اند: تغییرات محیط

سرانجام، فصل ۱۶ انواع خطرات محیط‌زیستی را که جهان معاصر با آن روبه‌رو است

خلاصه می‌کند. اعتراضات کمونیستی علیه ادعاهای جدی‌شان افزایش یافته، و تفاوت

میان خطرات محیط زیست امروز و خطراتی که جوامع گذشته با آن روبه‌رو بوده‌اند.

عمده‌ترین تفاوت به مسأله‌ی جهانی شدن ربط دارد. روندی که عمده‌ترین عامل

بدبینی و خوشبینی ما نسبت به چگونگی حل چالش‌های کنونی محیط زیست را تشکیل

می‌دهد. جهانی شدن فروپاشی جوامع معاصر در اثر انزوای امکان‌ناپذیر می‌سازد.

چنان‌که جزیره‌ی ایستر ونورس گرینلند در گذشته فروپاشیدند. هر جامعه درگیر

آشفتگی امروزه صرف‌نظر از اینکه چقدر دور است (مانند سومالی و افغانستان) می‌تواند

برای جوامع مرفه درد سر ایجاد کند، و هم‌چنان آنان را در معرض نفوذ خود قرار دهد (چه

مفید واقع شود یا بی‌ثبات سازد). برای نخستین بار در تاریخ ما با خطر یک فروپاشی

جهانی روبه‌رو هستیم. اما نخستین باری است که ما از شناسن آموختن سریع توسعه‌ی

جوامع در هر نقطه‌ی از جهان که باشد و گشودن راه‌های هر یک از جوامع گذشته در هر

زمانی برخوردار هستیم. از همین رو من این کتاب را نوشتم.



مترجم: غفار صفا ■

طرح کتاب

تا این‌جای کار خوانندگان با نظریه‌هایی آشنا شده‌اند که بیانگر این است که به چه سمتی حرکت می‌کنیم. کتاب این‌گونه تنظیم شده. پلان کتاب شبه یک مار بو است که دو گوسفند را بلعیده. بحث من درباره‌ی جهان و هم‌چنان گذشته هر دو به‌طور نامتناهی شامل شرح طولانی یک جامعه همراه با شرح کوتاه چهار جامعه‌ی دیگر است.

بایستی از گوسفند اولی بزرگ شروع کنیم. بخش نخست شامل یک فصل طولانی (فصل ۱) درباره‌ی مشکلات محیط زیست مونتانا، جنوب‌غربی، جایی که مزرعه‌ی هولز و مزرعه‌های دوستان من (برای کسانی که این کتاب را اهدا کرده‌ام) موقعیت دارند. مونتانا به‌عنوان یک جامعه‌ی مدرن جهان اول که چالش‌های محیط‌زیستی و ازدیاد جمعیت‌اش واقعی‌اند ولی در مقایسه با بیشتر جوامع جهان اول نسبتاً معتدل و دارای امتیاز خاصی می‌باشد. مهم‌تر از همه اینکه من بسیاری از اهالی مونتانا را به‌خوبی می‌شناسم. بنابراین، می‌توانم پالیسی‌های جامعه‌ی مونتانا را با حرکت‌های غالباً چالش‌برانگیز افراد آن هماهنگ بسازم. از یک چنین منظری آشنا با مونتانا می‌توان به‌خوبی تصور کرد که در جوامع دوردست گذشته چه واقع شده بود که در نگاه اول برای ما عجیب‌وغریب معلوم می‌شد، و می‌توان حدس زد که چه چیزی انگیزه‌های فردی مردم را فرا هم کرده بود.

بخش دوم، با چهار فصل کوتاه درباره‌ی جوامعی که فروپاشیده‌اند آغاز می‌شود که توالی پیچیدگی‌های فزاینده‌ی آن بر اساس چارچوب پنج نکته‌ی من تنظیم گردیده. بسیاری از جوامعی که من بایستی از آن‌ها بحث کنم کوچک، دارای موقعیت پیرامونی، و برخی از آن‌ها به‌لحاظ جغرافیایی محدود و به‌لحاظ اجتماعی منزوی و یا دارای محیط زیست آسیب‌پذیر بوده‌اند. مبدا خواننده این نتیجه‌ی گمراه‌کننده را بگیرد که این‌ها نمونه‌های ضعیفی برای جوامع بزرگ مدرن آشنا هستند. باید توضیح کنم که این جوامع را دقیقاً به این دلیل برای ارزیابی نزدیک انتخاب کرده‌ام که فرایند آن‌ها سریع‌تر و دست‌یابی به نتیجه‌گیری‌های دقیق در یک چنین جوامع کوچک مخصوصاً آن‌ها را به نمونه‌های روشن مبدل می‌سازد. این بدین معنا نیست که جوامع بزرگ مرکزی، دارای روابط تجارته‌ی با همسایه‌ها و برخوردار از یک محیط زیست سالم نه در گذشته فروپاشیده‌اند و نه امروز خواهند فروپاشید. یکی از جوامع گذشته که من با جزئیات درباره‌اش بحث کرده‌ام مایاها است، دارای میلیون‌ها جمعیت که در بین یکی از دو پیشرفته‌ترین مناطق فرهنگی جهان نو(امریکای مرکزی) پیش از ورود اروپایی‌ها، موقعیت داشت. با این منطقه دواستد داشت و آشکارا تحت تأثیر سایر جوامع پیشرفته بود. در فصل نهم شرح مختصری از جوامع مشهور گذشته - جوامع هلال خصیب (در خاورمیانه)، انکوات‌ها، هراپه در وادی سند و دیگران - که آن جمعیت‌های‌شان با مایاها مشابه بوده‌اند، ارائه کرده‌ام و آن جوامعی که عوامل محیط‌زیستی در فروپاشی‌شان نقش مهمی داشته است.

نخستین مورد مطالعه‌ی ما درباره‌ی گذشته، تاریخ جزیره‌ی ایستر (فصل ۲) است. نزدیک‌ترین موردی که می‌توان فروپاشی محیط زیست را در آن به‌روشنی مشاهده کرد. این مورد مطالعه به‌خاطر قطع کامل جنگلات آن که منجر به جنگ شد، سقوط رهبران و تندیس‌های مشهور سنگی و نابودی کامل جمعیت‌اش، دارای اهمیت است. تا آن‌جا که می‌دانیم جامعه‌ی پولینیزی ایستر پس از تشکیل آن هم‌چنان در انزوای به‌سر برد. بنابراین،

در تاریخ ۲۴ دلو امسال، اطلاعیه‌یی از سوی وزارت تحصیلات عالی نشر شد که در آن از دانشجویان دانشگاه یومف سویس (شاخه‌ی افغانستان) خواسته بود، برای «تعیین سرنوشت‌شان» به ریاست پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی مراجعه کنند. دانشگاهی که به دلیل کیفیت و اعتبار سندش، بالاترین فیس تحصیلی را از محصلینش می‌گرفت، چه برسرش آمده که حالا این دانشجویان برای «تعیین سرنوشت» شان باید به وزارت تحصیلات عالی مراجعه کنند؟ آیا دروازه‌ی این دانشگاه بسته می‌شود؟

همه‌چیز از تمایل بلامنازع به جلب توجه و انباشت پول شروع می‌شود، حتی در دانشگاه‌های خصوصی. صنعت تبلیغات دانشگاه‌های خصوصی به بازار آمدن تا نمایشی را اجرا کند که به ما می‌خواهد دو پیام را برساند: ۱- دانشگاه خصوصی مورد نظر، محلی امن، آرام، لوکس و مهیا برای «ماه غسل تحصیلی» است و ۲- دانشگاه خصوصی مورد نظر، از نظر علمی بهترین و با کیفیت‌ترین دانشگاه در میان کل دانشگاه‌هاست و داشتن سند آن به دلیل اعتباری که به‌دنبال دارد، مایه‌ی سعادت، ترقی و موفقیت دانشجوی می‌شود.

در این میان، دانشگاه «یومف سویس» مبارزات تبلیغاتی با دانشگاه‌های خصوصی دیگر، توانسته‌اند با ابتکاری که وزارت تحصیلات عالی و سفارت افغانستان در سویس آن را «جعل کاری و فریب» خوانده‌اند، «میدان توجه» را به نفع خود مصادره کنند. اقدامی که می‌توان بزرگترین فساد دانشگاهی در کشور نامید.

دانشگاه یومف سویس در تبلیغاتش مدعی است که این دانشگاه اولاً رشته‌های کاربردی‌یی مانند «اداره و تجارت» در سطح ماستری با استادان «صاحب‌نام» خارجی و افراد متخصص آموزش می‌دهد. این دانشگاه در ادامه‌اش پیشکش و سوسه‌برانگیزی به متقاضی تحصیل می‌دهد: اگر در دانشگاه یومف تحصیل کنید، این دانشگاه شما را سند تحصیلی‌یی از کشور سویس می‌دهد. اما در پشت این پیشکش‌های برانگیزاننده، واقعیت دیگری نهفته است: دانشگاه یومف سویس شاخه‌ی افغانستان به‌صورت رسمی در سویس به رسمیت شناخته نمی‌شود و اسناد آن فاقد اعتبار قانونی در سویس است. بر اساس تحقیقات اخیر که از سوی سفارت افغانستان در سویس شده و بر اساس یادداشت رسمی وزارت خارجه‌ی سویس «پوهنتون یومف سویس طبق قانون کنفدراسیون کشور سویس به رسمیت شناخته نشده است و اسناد و عناوین صادرشده توسط یومف نیز اعتبار قانونی در کشور کنفدراسیون سویس ندارد.»

چرا اسناد یومف سویس فاقد اعتبار است؟

ماجرای افشای جعل یومف

دانشگاه یومف سویس شاخه‌ی افغانستان با نمبر ثبت ۶۷ و شماره‌ی مسلسل ۷۷ در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی برای برگزاری برنامه‌ی ماستری رشته‌ی اداره و تجارت از ریاست پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی جواز فعالیت گرفته است. رییس آن جاوید سنگدل است که دارای تابعیت دوگانه‌ی افغانی و سویسی است. در جوازنامه‌ی دانشگاه یومف سویس شاخه‌ی افغانستان که از سوی ریاست مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی صادره شده، آمده است که این دانشگاه با یک شعبه در افغانستان «مطابق معیارهای قانونی» حق فعالیت دارد. در همین سال، در نامه‌یی که ریاست مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی به وزارت تحصیلات عالی فرستاده، خواسته شده است که «موضوع تأسیس شاخه‌ی افغانستان دانشگاه یومف سویس در سطح ماستری MBA بر اساس پیشنهاد شماره ۳۳۹ مطرح شده، نظر به حکم «مقام وزارت تحصیلات عالی» بر اساس مدارکی که این دانشگاه ارائه کرده، مورد توافق واقع شده است. در این نامه به هشت مورد از آن مدارک اشاره شده است که شامل: شخصیت حکمی این دانشگاه، نصاب درسی، تنظیم برنامه‌ها، لیست استادان، رشته‌های تحصیلی این دانشگاه و محل آن می‌باشد و چنانکه در این نامه اشاره شده، این موارد تثبیت و تأیید شده و در نتیجه مانع قانونی‌یی برای ایجاد این دانشگاه وجود ندارد. در نامه‌ی ۷۲۳ ریاست مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی به تاریخ ۲۳ دلو سال ۱۳۹۱ مجدداً تأکید شده که تمامی موارد و اسناد این دانشگاه «تکمیل شده» و از این نظر این دانشگاه دارای اعتبار حقوقی است و موجودیت آن با در نظر داشت رشته‌های تحصیلی و نام‌های

جعل یومف؛ دانشگاهی که از رییس جمهور تا دانشجورا فریب داد

■ خلیل پژواک و الیاس نواندیش



می‌کند نیز شامل است. در پاسخ وزارت خارجه‌ی سویس به سوال‌های سفارت افغانستان در این کشور مبنی بر اعتبار قانونی و حقوقی این دانشگاه در کشور سویس، آن وزارت‌خانه گفته است که «دانشگاه یومف توسط کنفدراسیون سویس به رسمیت شناخته نشده است. به همین اساس دیپلوم‌های آن رسمیت ندارد.» در ادامه‌ی آن آمده است که «نشان و عنوان دانشگاه یومف توسط کمپنی Eduqua در چارچوب برنامه‌های آموزشی صادر شده است» که در نزد این دانشگاه باقی مانده است. این وزارت‌خانه تصریح کرده که وجود این سند متمایز از «به رسمیت شناختن این دانشگاه در کنفدراسیون سویس» است.

گفته می‌شود که جاوید سنگدل رییس این دانشگاه تلاش می‌کند از طریق برخی چهره‌های حکومتی و سیاسی این مسأله را حل کند. در یک مورد آقای سنگدل شخصاً به سفارت افغانستان مراجعه می‌کند. او توضیح داده است که دانشگاه یومف صرفاً در کانتون جنیوا ثبت شده است و او ادعایی در این مورد که این دانشگاه مورد تأیید حکومت کنفدراسیون نیز باشد، ندارد. آقای سنگدل استدلال کرده است، بر اساس همکاری میان دانشگاه یومف و دانشگاه دنیا، به دانشجویان این دانشگاه صرفاً معادل دیپلوم داده می‌شود. اما سفارت افغانستان در سویس قانون تحصیلات عالی این کشور (سویس) که تمام کانتون‌های کنفدراسیون ملزم به رعایت آن هستند را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفته است که مؤسسات تحصیلی با این دو معیار واجد اعتبار رسمی‌اند: ۱- اعتبار نهادهای آکادمیک مانند مؤسسات تحصیلات عالی و ۲- اعتبار نصاب آموزشی یا برنامه‌های این مؤسسات مطابق این قانون به رسمیت شناخته می‌شود. در سفارت افغانستان در ادامه با توجه به قانون تحصیلات عالی سویس پرسیده شده که: ۱- در صورتی که دانشگاه یومف صرفاً در کانتون جنیوا ثبت شده، چرا در اعلانات بازرگانی آن این موضوع ذکر نمی‌شود؟ ۲- آیا این نهاد قبلاً وزارت تحصیلات عالی را در جریان گذاشته است که یومف صرفاً در کانتون جنیوا ثبت است؟ ۳- مبنی بر قانون تحصیلات عالی سویس، این قانون به‌صورت خاص به نهادهای آکادمیک مورد تأیید آن و نیز برنامه‌های مورد تأیید آن اعتبار قابل است، در حالی که این موضوع را مسئولان دانشگاه یومف نادیده گرفته‌اند. آیا این نهاد از قانون ناآگاه بوده یا به هدف دور زدن آن، مواد مندرج در آن را مدنظر قرار نداده است؟ این پرسش‌ها در ادامه‌ی نامه‌های سفارت افغانستان در سویس، بر این نکته تأکید دارد که دانشگاه یومف فاقد صلاحیت قانونی برای فعالیت می‌باشد. در نتیجه مطابق قانون تحصیلات عالی کنفدراسیون

استادانش تأیید شده است. همچنین آمریت «ایجاد مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی» در یکی از نامه‌هایش تأیید کرده است که دانشگاه یومف سویس (شاخه‌ی افغانستان) ۲۰۰ هزار دلار امریکایی را به‌عنوان گزینش بانکی پول ضمانتش را به بانک مرکزی (ده افغانستان بانک) واریز کرده است؛ اما در نامه‌ی دیگری از همین نهاد آمده است که با پیگیری انتقال پول از طریق عزیزی بانک به بانک مرکزی، مسئولین دانشگاه یومف سویس یک دربند حویلی را که ملکیت «حاتم ولد عبدالغفار» و در سرای غزنی است، در بدل ۱۵ میلیون افغانی ظاهراً برای ارائه‌ی تضمین پیشنهاد کرده‌اند. این دانشگاه در تاریخ ۱۴ ماه دلو سال ۱۳۹۱ جواز فعالیتش را دریافت کرده بود.

پس از به‌میان آمدن حکومت وحدت ملی در سال ۱۳۹۴، جاوید سنگدل، رییس دانشگاه یومف سویس (شاخه‌ی افغانستان) که موسس و صاحب هر سه دانشگاه «دنیا»، پیشگام، یومف سویس و تلویزیون پیشگام» است، به رییس جمهور غنی ۶۰۰ بورسیه‌ی تحصیلی تعهد می‌کند. پیش از این نیز این دانشگاه بورسیه‌های تحصیلی‌یی را در چارچوب همکاری مشترک با برخی وزارت‌خانه‌ها، به کارمندان حکومتی اهدا کرده بود. رییس جمهور غنی می‌خواهد در یک نشست خبری این همکاری را علنی کند، اما یکی از کارمندان دفتر ریاست جمهوری پیشنهاد می‌کند که اعتبار این دانشگاه از طریق سفارت افغانستان در سویس بررسی شود. به‌دنبال درخواست بررسی این موضوع، سفارت افغانستان در سویس با کانتون جنیوا که دانشگاه در آن کانتون ثبت است تماس می‌گیرد. کانتون جنیوا در پاسخ سفارت افغانستان نوشته است که دانشگاه یومف در آن کانتون ثبت بوده اما اسناد آن اعتبار آکادمیک ندارد و از طرفی با توجه به قانون تحصیلات عالی سویس، این دانشگاه در سطح کشور سویس از هیچ اعتباری برخوردار نیست. بعد از یک سال (۱۳۹۵) که هیأتی از پارلمان افغانستان غرض اشتراک در اجلاس اتحادیه‌ی بین‌المللی‌یی به جنیوا می‌رود و از سفارت افغانستان نیز بازدید می‌کند، ماجرای دانشگاه یومف به‌میان می‌آید و هیات پارلمان از سفارت می‌خواهد که در مورد ثبت دانشگاه و اعتبار اسناد آن تحقیق کند.

سرانجام پس از بررسی‌های بیشتر و مکاتباتی که بین سفارت افغانستان در سویس و وزارت خارجه این سفارت‌خانه تصمیم می‌گیرد که اسناد تحصیلی را تأیید نکند.

سفارت افغانستان چند نامه را در فاصله‌ی زمانی ۲۶م قوس تا ۲۶م جدی ۱۳۹۵ به وزارت خارجه فرستاده که در یکی از آن‌ها نظر وزارت خارجه‌ی سویس که موضع رسمی دولت سویس را بیان

سویس، که بر کانتون‌های کنفدراسیون به‌شمول کانتون جنیوا قابل تطبیق است، یومف فاقد اعتبار، سندیت و صلاحیت حقوقی و حکمی است. سرانجام وزارت تحصیلات عالی نیز در اعلامیه‌ی مطبوعاتی‌اش در ۱۸م جدی امسال نوشته است که گزارش‌های سفارت افغانستان در سویس تکانه‌دهنده است و سبب شده است این وزارت‌خانه کار دانشگاه یومف را به‌عنوان یک کلاهبرداری تلقی کند. در این اعلامیه مواردی از عدم رعایت قانون توسط این دانشگاه چنین ذکر شده است:

- این نهاد، نظام تحصیلی غیر معیاری و در مغایرت با برنامه‌های ماستری پوهنتون‌های افغانستان را تطبیق می‌دارند.
- تدریس ناقص و عدم استخدام استادان معیاری و دارای صلاحیت‌های تدریس نیز از عوارض این نهاد است.
- دروس غیرمنظم و عدم تناسب بین تعداد محصل و استاد در بخش ماستری با کمیت ۴:۱ محصل و حضور محصل در هر صنف بیشتر از ۶۰ تن که شدیداً معیارها را متضرر ساخته‌اند.
- جذب محصلان خلاف رشته.
- نداشتن رسمیت و اعتبار آکادمیک اسناد فراغت محصلان نهاد متذکره به سطح بین‌المللی به‌شمول کشور سویس.

- اخذ فیس هنگفت در هر سمستر ۱۴۸۰۰۰ افغانی به بهانه‌ی اعتبار بین‌المللی.

در ادامه‌ی این اعلامیه آمده است: «از آن‌جایی که روند ایجاد، فعالیت‌ها و تعاملات موسسه‌ی UMEF تحت نام شاخه‌ی سویس در کابل سوال‌برانگیز شده است، بنا بر این وزارت جریان موضوع را با سوابق مرتبط به آن در کمیسیون ایجاد که در آن دو استاد محترم و بلندپایه‌ی پوهنزی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل نیز دعوت شده بودند، مورد بحث و تعمق علمی، حقوقی و آکادمیکی قرار داده و نظر داده شد که: به تاسی از مکاتیب وزارت محترم امور خارجه و گزارش سفارت جمهوری ا.ا در سویس که ضم این اسناد بوده و مشعر است که: (اسناد صادر شده توسط پوهنتون یوماف و دنیا دارای هیچگونه رسمیت قانونی و ارزش حقوقی در سطح کشور سویس نمی‌باشد و هرگونه اشتها، اعلان و همچنان اخذ پول از شهروندان کشور با این ادعا که گویا سند دانشگاه دنیا به سطح کشور سویس به‌رسمیت شناخته شده است یک نوع کلاهبرداری بوده و قابل تعقیب عدلی و قضایی پنداشته می‌شود)».

کمال ناصر اصولی عضو کمیسیون امور دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی در نامه‌یی به تاریخ ۱۵ جدی ۱۳۹۵ به ریاست اداره‌ی تقنینی و پارلمانی وزارت تحصیلات عالی نوشته است که در جلسه‌ی مشترک میان اعضای کمیسیون امور دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی با نمایندگان دانشگاه یومف و وزارت تحصیلات عالی، هر دو طرف به نتیجه‌ی مشترکی نرسیده و سرانجام تصمیم گرفته است که هیأتی از کمیسیون با هیأتی از وزارت تحصیلات عالی مشترکاً به سویس سفر کرده و در این مورد تحقیق کنند. نتیجه‌ی کار این کمیسیون مشخص نیست.

سخنگوی وزارت تحصیلات عالی به اطلاعات روز گفت که برای این وزارت این مسأله روشن شده است که دانشگاه یومف فاقد اعتبار قانونی است و باید به کارش پایان دهد. وزارت تحصیلات عالی نیز اعتبار حقوقی و حکمی آن را نفی کرده و بر مبنای سخنان آقای امین، این وزارت‌خانه به‌دنبال رسیدگی به این پرونده و ترتیب اعطای اسناد تحصیلی به دانشجویانی است که از این دانشگاه سند ماستری گرفته‌اند.

فیصل امین سخنگوی وزارت تحصیلات عالی به اطلاعات روز گفت که در هنگام ثبت این دانشگاه، موارد قانونی‌یی مانند اخذ جواز آیس/اداره‌ی سرمایه‌گذاری خصوصی، طی مراحل قانونی انتقال یک نهاد علمی از یک کشور به کشور دیگر و تثبیت شخصیت حقوقی و حکمی آن، کامل نشده است. به این ترتیب، این دانشگاه عملاً برخلاف قانون تاکنون فعالیت کرده است. بر اساس گفته‌های آقای امین، وزارت تحصیلات عالی با در نظر گرفتن ۱۵ معیار جواز تأسیس موسسه‌ی آکادمیک/دانشگاه خصوصی را صادر می‌کند. معیارهایی که از نظر این مقام وزارت تحصیلات عالی در هنگام اعطای جواز کار دانشگاه یومف مدنظر قرار نگرفته است.

بر مبنای این اصل، چنانچه یک نهاد علمی از یک کشور به کشوری دیگر انتقال داده می‌شود

پهلنگ

سرخ سخی داد هاتاف

ملاسته‌فی جمهوری‌الاسلامیه التروریستان

ملاسته از باب مفاعله به معنای تبادل لیست میان دو کشور است.

پس از آن‌که دولت جمهوری اسلامی پاکستان لیستی از افراد و گروه‌های تروریستی فعال در خاک افغانستان را به دولت جمهوری اسلامی افغانستان فرستاد و خواهان مالکیت بر آن افراد و گروه‌ها شد، وزارت خارجه افغانستان نیز شعورش به جوش آمد و لیست بلندقامت مشابهی را به دولت پاکستان تسلیم کرد.

آنچه در این میان عجیب است این است که به نظر می‌رسد هر کشوری که پسوند «جمهوری اسلامی» داشته باشد، چشمش هم دوربین می‌شود. مثلاً جمهوری اسلامی ایران موارد نقض حقوق بشر در برمه، فیلیپین، کمبودیا، مکزیکو، هاوایی، ویتنام، چین، بیت المقدس و برمودا را خیلی دقیق می‌بیند. اما وقتی به خودش اطلاع می‌دهند که در ایران یک نفر به جرم خندیدن به یک جوک نامناسب خندیده است و به همین خاطر سیزده سال است در زندان اوین روزنامه‌ی کیهان می‌خواند، جمهوری اسلامی مذکور اظهار بی‌خبری می‌کند و می‌گوید: «اما توی ایران همچو چیزی نداریم. اوین چیه؟»

وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی پاکستان بودجه‌ی مشخصی دارد برای خرید کفش و کلاه اعضای ۳۲ سازمان تروریستی بی‌که در خاک آن کشور عند اربابهم یزفون. اما وقتی از سوال کنید که این سازمان‌ها کجا، شما را متهم به بهایی بودن می‌کنند و می‌گویند:

«کیا بات کر تاهمی بهایی؟»

فکر نکنید جمهوری اسلامی افغانستان تفاوت دارد. از مقامات امنیتی افغانستان پرسید که تروریست‌ها در کجا، نقشه‌ی لاهور و پنجاب و کراچی و کوئته و وزیرستان را از جیب خود می‌کشند و پیش روی تان پهن می‌کنند و اسم، محل سکونت، شماره‌ی پان، رنگ چشم، سایز گرده، قطر شکم، اسم مادر کلان، ثانیه‌ی تولد و مقدار مواد منفجره‌ی تروریست‌ها را برای شما تشریح می‌نماید. اما همین مقامات درباره‌ی حضور گروه‌های تروریستی در افغانستان می‌گویند:

«البته مستحضر هستید که چیزی به نام طالبان وجود ندارد. ممکن است چند نفری در بعضی جاها باشند که بعضی اوقات برای مردم بیدار افغانستان مزاحمت‌هایی ایجاد بکنند، اما در کل ما چیزی به نام تروریست در کشور خود نداریم. خوب، تعدادی برادر ناراضی و مخالف سیاسی داریم که گاهی دست‌شان ناخوایسته به سوچ می‌لگد و نوعی انتحار رقم می‌خورد ولی این موارد نادر اند.»

در حاشیه‌ی این بحث، متأسفانه باز هم مطلع شدیم که ملاعمر چشم از جهان فرو بسته. قبلاً هم یک بار چشم پوشیده بود که ما را خیلی غمگین کرد، چون رییس‌جمهور ما پیام عیدی خدمت ایشان فرستاده بود ولی چون چشم ایشان پوشیده بود نتوانسته بود پاسخ لازم را بدهد و به جای او آی‌اس‌آی، سازمان اطلاعات پاکستان، جوابیه‌ی صادر نموده بود. اما این بار گفته می‌شود که برای همیشه چشم از جهان تعطیل کرده است.

جعل کاری داخلی دانشگاه یومف

دانشگاه یومف و مشخصاً جاوید سنگدل دارای شبکه‌ی وسیعی ارتباطی در نهادهای دولتی و خصوصی است. آقای سنگدل روابط نزدیکی با چهره‌های سیاسی بی‌مانند حامد کرزی، داکتر عبدالله و رییس‌جمهور غنی دارد. در محافل فراغت از دانشگاه یا سمینارهای دانشگاهی چه در دنیا یا پیشگام، همواره چهره‌های آشنایی از مسئولان دولتی و سیاسی، در کنار آقای سنگدل حضور می‌یابند. در راستای همین ارتباطات گسترده، دانشگاه دنیا و نیز یومف همکاری‌هایی با برخی نهادهای دولتی داشت که این نهادها کارمندان‌شان را به دانشگاه دنیا یا یومف برای تحصیل می‌فرستادند. برای مثال وزارت مالیه یا وزارت دفاع ملی ده‌ها کارمند‌شان را در چارچوب همین همکاری به دانشگاه دنیا و در برخی مواقع به دانشگاه یومف فرستاده‌اند. نباید از نظر دور داشت که دانشگاه دنیا نیز سندی را با همکاری دانشگاه یومف - چنانچه توضیح داده شد - به فارغانش اعطا می‌کند.

اما در کنار آن، به نظر می‌رسد در دستگاه اداری دانشگاه یومف نیز جعل و قانون‌شکنی حضور چشمگیری دارد. در ارزیابی نتیجه‌ی امتحان‌های بخش ماستری MBA به گواهی یکی از استادان این دانشگاه دستکاری می‌شده است. همین‌طور برخی از استادان آن، آثاری از استادان خارجی را سرقت علمی می‌کرده و در قالب چپترهای خودشان به دانشجویان می‌داده‌اند. به همین ترتیب و بر مبنای اظهارات یکی از استادان پیشین این دانشگاه، جعل اسناد به‌منظور به‌دست‌آوردن قراردادهای دولتی، سوءاستفاده از کارمندان، فروش کلید سوالات به شاگردان توسط کارمندان اداری، ارزیابی نتیجه‌ی امتحانات از سوی کارمندان بخش اداری و استخدام استادان خارجی با ویژه‌ی توریستی و دور زدن قانون کار اتباع خارجی، استخدام استادان دارای مدرک لیسانس برای تدریس در مقطع ماستری و استادانی که حتا بدون مدرک بوده‌اند، مواردی از قانون‌شکنی‌های است که در این دانشگاه وجود داشته است.

مقرر کیست؟

اسناد دانشگاه یومف از طریق ریاست تحصیلات عالی خصوصی روند تأیید اداری‌اش را گذرانده است. مسعود ترشتوال نیز به‌عنوان رییس این اداره آن را تأیید کرده است. در نامه‌های تأییدی این نهاد آمده که «اسناد دانشگاه یومف تکمیل است» و همچنین صلاحیت حکمی و حقوقی این دانشگاه «تأیید» شده و نیز معیارهای وزارت تحصیلات عالی برای ایجاد یک مؤسسه‌ی تحصیلی خصوصی را نیز «دارد». به این ترتیب، در یک مرحله وزارت تحصیلات عالی این نهاد را تأیید کرده است، موردی که با افشاگری سفارت افغانستان در سوئیس و نامه‌ی وزارت خارجه مورد بازنگری قرار گرفت و در نتیجه «ریاست پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی وزارت تحصیلات عالی» در ۲۴ دلو امسال اطلاعیه‌ی رسمی را نشر کرده و به دانشجویان دانشگاه یومف گفته است که «برای تعیین سرنوشت‌شان به این ریاست مراجعه کنند». اقدامی که به معنای پایان کار دانشگاه یومف است. اما پرسیدنی است که مسئولان این وزارت که با سهل‌انگاری یا احتمالاً چشم‌پوشی جواز این دانشگاه را تأیید و صادر کرده، مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند؟ فیصل امین سخنگوی وزارت تحصیلات عالی می‌گوید که آن‌ها قطعاً باید پاسخگو باشند و این یک مسأله‌ی حقوقی است و در حوزه‌ی اختیار دادستانی کل کشور. حالا باید دید که دادستانی کل در دایره‌ی قانون سراغ این مسئولان خواهد رفت یا نه؟

تحصیل ماهیانه‌ی هر دانشجو به تناسب مقررات داخلی این دانشگاه خصوصی، بین ۸ تا ۱۲ هزار افغانی است. فیس دوره‌ی ماستری آن نیز بین ۴۰ تا ۷۵ هزار افغانی در هر سمستر است. این دانشگاه بر اساس تفاهم‌نامه‌ی مشترک با وزارت تحصیلات عالی و دانشگاه یومف، به فارغان این دانشگاه علاوه بر سند فراغت، سند تحصیلی «تأییدی» دیگری نیز می‌داد که ظاهراً به‌نام ECTA «پروگرام‌های اروپا» بوده است. به این ترتیب دانشجویان این دانشگاه با سند تحصیلی لیسانس یا ماستری و تأییدی ECTA فارغ می‌شدند. مسئولان این دانشگاه می‌گویند که این سند تأییدی از سوی قونسلگری افغانستان در جنیوا (پایتخت سوئیس) و وزارت خارجه تأیید می‌شده است. این سند ضمیمه با همکاری دانشگاه یومف تهیه می‌شود.

سرنوشت مهم فارغ‌التحصیلان دانشگاه یومف

فعالیت دانشگاه یومف متوقف خواهد شد، اما در این میان، کسانی که تاکنون در این دانشگاه تحصیل کرده و از آن سند دوگانه‌ی افغانی-سوئیس گرفته‌اند نامشخص است. این در حالی است که فعالیت چندساله‌ی دانشگاه یومف فاقد اعتبار قانونی ارزیابی شده و به‌عنوان جعل تلقی می‌شود. به این ترتیب، اسناد کسانی که در این دانشگاه درس خوانده‌اند غیرقانونی و از منبع جعلی صادر شده است. این در حالی است که این دانشجویان مبتنی بر جواز که وزارت تحصیلات عالی برای این دانشگاه یومف صادر کرده، به آن اعتماد کرده‌اند و بابت تحصیل در آن در هر سمستر ۴۸ هزار افغانی پرداخته‌اند. در تمامی اسنادی که در اختیار اطلاعات روز قرار گرفته، امضای مسعود ترشتوال، رییس پیشین مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی دال بر اعتبار حقوقی و حکمی دانشگاه یومف، وجود دارد.

وزارت تحصیلات عالی به‌تازگی تصمیم گرفته است که کسانی که در این دانشگاه تحصیل کرده یا در حال تحصیل است را ثبت نام کرده و اسناد آن‌ها را بررسی کند. چنانچه اسناد دانشجویان دوره‌ی لیسانس مشکل حقوقی نداشته باشد، برای آن‌ها از دانشگاه‌های دولتی سند لیسانس داده خواهد شد. اسناد محصلان دوره‌ی ماستری این دانشگاه نیز ظاهراً از سوی دانشگاه کابل صادر می‌شود. به این ترتیب، مشکل اعتبار اسناد تحصیلی دانشجویان این دانشگاه رفع خواهد شد. اما دانشجویان این دانشگاه یومف پول هنگفتی که برای تحصیل پرداخته‌اند را باید از مجاری حقوقی پیگیری کنند. از قول سخنگوی وزارت تحصیلات عالی، این موضوع به دادستانی کل کشور فرستاده شده و این نهاد در این زمینه ضمن بررسی مقدار پول هر دانشجو، تصمیم خواهد گرفت. اما اسناد و تیزس دانشگاهی آن‌ها از سوی وزارت تحصیلات عالی و در همکاری با دانشگاه کابل تأیید خواهد شد.

چنانچه روشن شده، دانشگاه یومف به‌صورت غیرقانونی و با اعتبار مخدوش آکادمیک دانشجو پذیرفته و آن‌ها در همین شرایط تحصیل کرده‌اند. از این منظر، تحصیل و اسناد آن‌ها فاقد اعتبار قانونی است. از جهتی دیگر، اعطای سند تحصیلی یک دانشجوی دانشگاه خصوصی از سوی دانشگاه دولتی بی‌مانند دانشگاه کابل بن‌مایه‌ی قانونی ندارد. اما وزارت تحصیلات عالی می‌گوید که در این زمینه یک استثنا قایل شده است. استثنایی که به‌نحوی خاک‌اندازی بر کمکاری‌های وزارت تحصیلات عالی نیز است.

یا فعالیتش را آغاز می‌کند، باید از طریق وزارت خارجه و امضای تفاهم‌نامه بین دو کشور این انتقال صورت گیرد. در این صورت وزارت تحصیلات عالی شخصیت حکمی و قانونی آن، اساس‌نامه، کریکولم درسی را پس از تأیید، در چارچوب یک قرارداد حقوقی امضا می‌کند. سپس باید این قرارداد در شورای وزیران تأیید شود. آن‌چنان‌که سخنگوی وزارت تحصیلات عالی می‌گوید، دانشگاه یومف مبتنی بر مقرره‌ی تأسیس مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی عمل نکرده و این مراحل را طی نکرده است. به این ترتیب، میان دانشگاه یومف و وزارت تحصیلات عالی هیچ تفاهم‌نامه‌ی امضا نشده است. مسئول این دانشگاه/شخصیت حقیقی دانشگاه، آقای جاوید سنگدل و مایکل اکریپ حاضر به اجرای مفاد این مقرره نشده‌اند. به این ترتیب، تصمیم نهایی وزارت تحصیلات عالی این است که بر مبنای نامه‌ی وزارت خارجه فعالیت دانشگاه یومف را متوقف سازد.

آمار سود

دانشگاه یومف سوئیس از هر دانشجو در هر سمستر ۱۴۸ هزار افغانی فیس می‌گرفته است. گفته می‌شود این دانشگاه بیش از ۴۰۰ دانشجو دارد. به این ترتیب می‌توان با این فرض که این ۴۰۰ دانشجو تمامی دوره‌ی ماستری را در این دانشگاه سپری می‌کنند، محاسبه کرد که دست‌کم دانشگاه یومف سوئیس از یک دوره‌ی تحصیلی چیزی بیش از ۵۸ میلیون افغانی درآمد داشته است. تنها در یک مورد که اسناد فارغ‌التحصیلان این دانشگاه برای تأیید به سوئیس فرستاده شده بود، شامل ۱۱۲ قطعه سند می‌شد.

صاحب آن، جاوید سنگدل است و ظاهراً کسی به‌نام مایکل اکریپ نیز از صاحبان آن تلقی می‌شود. رییس افتخاری آن سید مخدوم رهین است؛ وزیر پیشین اطلاعات و فرهنگ. این دانشگاه ۲۰۰ هزار دالر تضمین بانکی ارائه کرده و سپس خواستار تعدیل/کاهش این مبلغ شده است. دانشگاه یومف فاقد جواز ایسا است و همچنین برخلاف قانون، بی‌هیچ تفاهم‌نامه‌ی با وزارت خارجه و یا دولت سوئیس در افغانستان این دانشگاه را تأسیس کرده است. فیصل امین مجموع پولی که این دانشگاه به‌عنوان هزینه‌ی تحصیل گرفته را ۴ میلیون دالر می‌گوید. برادر آقای سنگدل، احمدشاه سنگدل، عضو کریکت‌بورد افغانستان مقرر شده است.

گرچه هم وزارت تحصیلات عالی پیوند حقیقی دانشگاه‌های دنیا و پیشگام را با دانشگاه یومف رد کرده و هم مسئولان این دو دانشگاه؛ اما اطلاعات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در واقع امتیاز هر سه دانشگاه به جاوید سنگدل و همکارانش برمی‌گردد. جواز دانشگاه دنیا به نام «احمدعلی سنگدل» ثبت است. احمدعلی سنگدل در قید حیات نیست و یکی از اعضای خانواده‌ی جاوید سنگدل است. به همین ترتیب، از قول فیصل امین (سخنگوی وزارت تحصیلات عالی) کسی که به‌عنوان صاحب دانشگاه پیشگام جواز این دانشگاه خصوصی داخلی را گرفته، «نیکمل» است. آقای نیکمل همزمان مسئول روابط دانشگاه یومف و از همکاران جاوید سنگدل است.

دانشگاه دنیا در سال ۱۳۸۸ جوازش را به‌عنوان یک نهاد مستقل خصوصی در بخش تحصیلات عالی خصوصی گرفته است. در سه رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی، کمپیوترساینس و اقتصاد دانشجو می‌پذیرد و ۱۳۵ محصل در بخش ماستری دارد. از این دانشگاه تاکنون ۱۱۰۰ نفر فارغ‌التحصیل شده و در حال حاضر ۱۳۰۰ دانشجو در آن مصروف تحصیل‌اند. هزینه‌ی

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

برای ادارات دولتی و شرکتهای

برای متعلمین و محصلین

6 Months

120\$ USD

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

Annual

200\$ USD

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



مشارکت چین در پروژه ۲۲ میلیارد دلاری نفت ابوظبی

شاخص ابوظبی را علاوه بر مقداری که بر مبنای قراردادهای بلندمدت امضا شده در سال ۲۰۱۱ توافق شده بود، تضمین می کند.

ابوظبی در پی افزایش ظرفیت تولید روزانه به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه تا سال ۲۰۱۸ است. شرکت عملیات نفتی ساحلی ابوظبی حدود نیمی از تولید روزانه کنونی تقریباً ۳ میلیون بشکه می ابوظبی را تامین می کند.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، که امارات متحده عربی چهارمین تولیدکننده بزرگ عضو آن است، در ماه نوامبر توافق کرد تولیدش را با هدف کاهش ذخایر و تقویت قیمت ها کاهش دهد. قیمت نفت شاخص برنت از زمان توافق اوپک حدود ۱۱ درصد رشد کرده و در روز ۱۹ فوریه در دوی ۵۶ دلار و ۷ سنت معامله شد.

قرارداد جدید که دوره آن ۴۰ سال است جایگزین توافق پیشین می شود که طبق آن شرکت های بزرگ غربی در امارات نفت تولید می کردند. شرکت های اکسون موبیل آمریکا و هلندی - بریتانیایی «رویال داچ شل» که در سرمایه گذاری قبلی مشارکت داشتند اکنون با بی پی، توتال، و پارتکس پرتغال همکاری می کنند. قرارداد قبلی در ژانویه ۲۰۱۴ به اتمام رسید. (راديو فردا)

سی ان پی سی به شرکت «عملیات نفتی ساحلی ابوظبی» می پیوندد. بی پی و توتال هر کدام سهم ۱۰ درصدی دارند در حالی که اینپکس ژاپن و «جی اس انرژي» کره جنوبی، به ترتیب سهم ۵ درصدی و ۳ درصدی دارند (در مجموع با احتساب سهم شرکت چینی حدود ۳۶ درصد). ابوظبی در نظر دارد سهم ۶۰ درصدی در شرکت عملیات نفتی ساحلی ابوظبی را حفظ کند و به دنبال سرمایه گذاری برای ۴ درصد باقیمانده باشد.

شرکت های ژاپنی در ۴ پروژه سرمایه گذاری مشترک دیگر در ابوظبی که بزرگترین شیخ نشین در امارات متحده عربی است مشارکت دارند اما شرکت های کره ای و چینی سهم کمتری در امارات متحده عربی دارند.

در همین حال، بخش مهندسی سی ان پی سی در ساخت یک خط لوله صادرات نفت در ابوظبی مشارکت داشته است.

سی ان پی سی همراه با بی پی در توسعه بزرگترین میدان نفتی عراق همکاری می کند. شرکت سینوپک نیز در یک پالایشگاه در عربستان سهام داراست و شرکت های چینی در حال توسعه میدانی نفتی در ایران هستند.

طبق قرارداد، سی ان پی سی عرضه نفت

شرکت ملی نفت ابوظبی ۸ درصد سهام یک پروژه ساحلی به ارزش کل ۲۲ میلیارد دلار را به شرکت ملی نفت چین (سی ان پی سی) واگذار کرده است.

به گزارش شبکه خبری «بلومبرگ»، ارزش سهام «سی ان پی سی» حدود ۱۸ میلیارد دلار برآورد می شود. این در حالیست که ابوظبی با در اختیار داشتن ۶ درصد ذخایر جهانی نفت خام در پی گسترش بازارهای آسیایی و افزایش ظرفیت تولید از طریق یافتن سرمایه گذاران جدید است.

«سی ان پی سی» سومین شریک آسیایی این پروژه در کنار شرکت هایی از ژاپن و کره جنوبی است. شرکت بریتیش پترولیوم (بی پی) در دسامبر و توتال فرانسه نیز در ژانویه ۲۰۱۵ به این پروژه پیوستند.

طبق اعلام آژانس بین المللی انرژي، آسیا سریعترین رشد تقاضای انرژي در دو دهه آینده را خواهد داشت. ابوظبی همراه با دیگر تولیدکنندگان نفت در منطقه خلیج فارس، شامل عربستان سعودی و عراق، در حال جذب سرمایه گذاران آسیایی هستند در حالی که شرکت های اروپایی و امریکایی در منطقه خاورمیانه نفت استخراج کرده اند.

مصر: محکومیت ۱۰ نفر به اعدام به اتهام درگیری های خونین در ورزشگاه فوتبال

کشته شدند.

شاهدان عینی، شمار کم نیروهای امنیتی را یکی از دلایل گسترده شدن خشونت ها در ورزشگاه اعلام کردند.

از این رویداد به عنوان مرگبارترین درگیری بر سر فوتبال در تاریخ مصر یاد می شود. بیشتر قربانیان هوادار تیم الاهلی بودند.

دستگاه قضایی مصر پیش از این هم احکام اعدام این افراد را صادر کرده بود اما متهمان درخواست تجدیدنظر در حکم را کرده بودند. (راديو زمانه)

دستگاه قضایی مصر همچنین روز دوشنبه احکام حدود ۴۰ تن از عاملان این خشونت ها که تقریباً همه آن ها از طرفداران تیم فوتبال الاهلی بودند را نیز صادر کرد.

یکم فوریه ۲۰۱۲ (۱۲ بهمن ۱۳۹۰) پس از پیروزی سه بر یک تیم فوتبال الاهلی از قاهره بر تیم المصری از پورت سعید، طرفداران تیم میزبان به داخل زمین ریختند و با سنگ و بطری به تیم الاهلی حمله کردند. این درگیری به کشته شدن ۷۴ نفر منتهی شد. شماری از نیروهای امنیتی نیز در این حادثه

پنج سال پس از حادثه ی خونین ورزشگاه فوتبال پورت سعید مصر که منجر به کشته شدن ۷۴ نفر شد، دستگاه قضایی این کشور ۱۰ نفر از متهمان این رویداد را به مرگ محکوم کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات قضایی مصر گفتند که این حکم روز ۲۰ فوریه / ۲ اسفند از سوی دیوان عالی کشور مصر، پس از یک کار قانونی طولانی نهایی شد و محکومان که پشت میله های زندان هستند همه درخواست های تجدیدنظر خود را ارائه داده اند.

وزیر دفاع امریکا: دنبال نفت عراق نیستیم

پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ ضبط می کرد.

ترامپ ماه ژانویه در سخنرانی اش برای کارکنان سی آی ای گفته بود: «ما باید نفت را نگه می داشتیم. اما خب، شاید فرصت دیگری هم به وجود بیاید.»

این گفته ماتیس یکی از آخرین نمونه های اختلاف نظر او با ترامپ است. ترامپ خود تأیید کرده که ماتیس با او درباره مؤثر بودن شکنجه به عنوان یک روش بازجویی موافق نبوده و او این موضوع را به وزیر دفاع خود سپرده است. (راديو زمانه)

وزیر دفاع امریکا در نخستین سفرش به عراق به عنوان رییس پنتاگون، امیدوار است که به یک ارزیابی دست اول از نتایج اقدامات نیروهای امریکایی در بیرون راندن باقی مانده نیروهای دولت اسلامی از شهر موصل دست یابد.

با این حال، خبرگزاری رویترز گزارش می دهد که این احتمال هم وجود دارد که از وزیر دفاع امریکا درباره اظهارات و عملکرد دونالد ترامپ هم پرسش شود؛ مثلاً درباره فرمان ممنوعیت شهروندان عراق و شش کشور دیگر عمدتاً اسلامی به امریکا و اینکه ترامپ گفته بود امریکا باید نفت عراق را

جیمز ماتیس، وزیر دفاع امریکا، دوشنبه ۲۰ فوریه پیش از ورودش به عراق برای دیداری از پیش تعیین نشده گفته: «ما در عراق دنبال نفت نیستیم.»

ماتیس در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه با دیدار او از عراق نفت این کشور در معرض تهدید قرار می گیرد یا نه، هرگونه نیت دست اندازی به نفت عراق را رد کرد.

او به خبرنگارانی که همراه او به عراق سفر می کنند گفته: «همه ی ما که این جاییم، هزینه گاز و نفت مان را خودمان پرداخته ایم و در آینده هم همین کار را خواهیم کرد. ما به دنبال نفت عراق نیستیم.»

پنس: امریکا متعهد به همکاری با اتحادیه ی اروپا است

امریکا انتخاب شود، ممکن است حمایت بی چون و چرا از اعضای ناتو را متوقف کند. با وجود این او بعداً در اظهارتی از ناتو حمایت کرد از جمله در اوایل ماه جاری میلادی در جمع تعدادی از نیروهای نظامی امریکای در یک پادگان نظامی در فلوریدا. او در این دیدار تأکید کرد که کشورش به عنوان یکی از اعضای پیمان آتلانتیک شمالی با قدرت از ناتو حمایت می کند.

آقای ترامپ نیز در اظهاراتی در اوایل سال جاری میلادی و چند روز قبل از مراسم تحلیفش گفت که تصمیم بریتانیا برای خروج از اتحادیه ی اروپا «هوشمندانه» بوده و اوضاع این کشور بعد از برگزیت خیلی بهتر هم شده و در نهایت بریتانیا از این تصمیم بهره خواهد برد.

این سخنان آقای ترامپ به تلاش برای تضعیف اتحادیه ی اروپا تعبیر شده بود. (بی بی سی فارسی)

دونالد توسک، رییس شورای اروپا، در سخنانی در دیدارش با آقای پنس تأکید کرد که اتحادیه ی اروپا به حمایت کامل امریکا برای یک اروپای متحد نیاز دارد.

ژان کلود یونکر، رییس کمیسیون اروپایی، نیز قبلاً در سخنانی تأکید کرده بود که امریکا «به یک اتحادیه اروپای متحد و قوی» نیازمند است.

اظهارات آقای پنس در بروکسل در حالی عنوان شده است که پیشتر اظهارات آقای ترامپ در خصوص این دو نهاد به ویژه ناتو باعث ایجاد نگرانی هایی در میان رهبران اروپایی شده بود.

آقای ترامپ پیشتر پیمان ناتو را «کهنه و بی خاصیت» خوانده بود.

آقای ترامپ همچنین در گفتگویی با روزنامه نیویورک تایمز در اواسط سال گذشته میلادی و در زمان کارزار تبلیغات انتخاباتی اش گفته بود در صورتی که به عنوان رییس جمهور آینده

مایک پنس، معاون رییس جمهور امریکا، می گوید که کشورش به همکاری و مشارکت با اتحادیه ی اروپا متعهد است.

آقای پنس که به بروکسل سفر کرده است در سخنانی در جمع مقامات ارشد این اتحادیه تلاش کرد تا نگرانی مقامات اروپا را در مورد رابطه دولت دونالد ترامپ، رییس جمهوری امریکا، با اتحادیه ی اروپا و همچنین پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) کاهش دهد.

آقای پنس بیشتر و در کنفرانس امنیتی مونیخ در اوایل هفته جاری نیز تأکید کرده بود که امریکا به صورت همه جانبه از ناتو حمایت می کند.

او در این نشست به رهبران اروپایی اطمینان خاطر داد که حمایت ایالات متحده از ناتو «تزلزل ناپذیر» است. با این همه او نیز این موضع دونالد ترامپ را تکرار کرد که کشورهای اروپایی «سهم متناسبی» از هزینه های دفاعی ناتو را نمی پردازند.

بگو مگو ان facebook

Khadim Hussain Karimi



در شهر آوازه است که افراد ملاتره خیل پس از آن که به هشدار ایست بازرسی پولیس توجه نکرده اند، با واکنش پولیس مواجه شده اند. در واکنش به هشدار پولیس، آن ها سه رنجر پولیس را آتش زده اند. در پایتخت کشور و نزدیک گوش ارگ و اشرف غنی و اتمر و وزارت داخله و گارنیزون کابل. حالا در یک انتظاری که نتیجه ی آن از قبل احتمالاً مشخص است، ببینیم واکنش اشرف غنی و نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی حکومت چه خواهد بود.

قریب به چهار ماه پیش، یکی از وابستگان خانوادگی ملا تره خیل که می گفتند خواهرزاده اش بود و تخلص اش هم تره خیل است، به همراه یک لشکر از افرادش، در دانشگاه کابل، با قلدری و زورگویی، برای دانشجویان و عمدتاً دانشجویان دختر، مزاحمت می کرد. درگیری های کوچک لفظی، میان این دار و دسته و بقیه دانشجویان گاه و بیگاه بالا می گرفت. نظر غالب دانشجویان این بود که این مشکل در هماهنگی با ریاست دانشگاه و نیروهای امنیتی، با مدارا و خونسردی حل شود. به شخصه، موافق این نوع برخورد بودم. در گیر و دار هماهنگی و گفت و گو با ریاست دانشگاه و قوماندانی کندک حفاظت از دانشگاه برای رسیدگی قانونی به این مورد که ظاهراً نتیجه یی نداشت و این دو نهاد مسئول هم به دلیل کم کاری یا ترس از ملاتره خیل از رسیدگی به این مشکل شانه خالی می کردند، از قضا، روزی به دلیل مزاحمت و قلدری خواهرزاده ی ملا تره خیل، میان باند او و دیگر دانشجویان درگیری شد. او بیست قلدر وارد دانشگاه کرد و جمال دو صد تا. او با پنجه بوکس آمد و جمال با برچه و تبر. این جناب قلدر و بدماش، به نرخ اعلای مندوی، لت و کوب شد. دستش را شکسته به گردنش آویزان کردند و چند نفر از دوستان همراهش هم در شفاخانه بستر شدند. داستان قلدری خواهرزاده ی تره خیل در دانشگاه تمام شد و جمال هم که در ادب کردن قلدرها دست بالایی داشت، در دهمزنگ کشته شد. در سرزمین قلدری و تقابل زور و بدماشی، متأسفانه، خشونت با خشونت در آمیخت و زورگو و قلدر و بدماش، عقب نشست.

در ۲ اسد، تظاهرات مسالمت آمیز و دادخواهانه ی جنبش روشنائی که پیمای از جنس مدنیت و مردم سالاری و گل و لبتند به همراه داشت، با انفجار پاسخ داده شد. پاسخ گل، گلوله بود. در این سرزمین، مدارا و مدنیت و تسامح و گل و لبتند، ظاهراً هزینه های سنگینی دارد. هزاره بودن هزینه دارد. حتا صحبت از طرح یک مطالبه ی برحق و دادخواهانه به مدنی ترین و مداراجویانه ترین شکل ممکن هم هزینه یی دارد به بزرگی چسپاندن انگ و مهر قوم گرایی. تفنگ باشد و تو باشی و قلدری و ارسال پیام های خشونت بار از جبهه یی به نام کوه و سنگر، به خیابان و دانشگاه و مکتب که سرازیر شدی، پاسخات گلوله است و چند خروار اتهام از جنس جاسوسی ایران و آشوب طلبی و قوم گرایی. در این ملک، از جنس ملاتره خیل که باشی، حرمت و امتیاز و امنیت و سهم سیاسی و اقتصادی در حکومت و بودجه و پروژه های بزرگ انکشافی و خدماتی، یک جا به حسابات واریز می شوند. هزاره بودن و گذار از خشونت و تفنگ به خیابان و دانشگاه و مداراجویی، هزینه دارد. جاسوس ایران هستی، به قوم گرایی دامن می زنی، آشوبگری هم فقط مال توست. در کمال وقاحت!

Arif Ammar



یک کشور شدیداً مصرفی و وابسته به اقتصاد کمکی و وارداتی -- و یک ملت عمیقاً گرفتار در شکاف های عمیق سیاسی و اجتماعی و فاقد یک استراتژی واحد در سیاست خارجی (به دلیل از هم گسیختگی سیاسی داخلی) - هیچگاه نمی تواند در برابر کشوری که قدرت نظامی منطقه است و دستگاه استخباراتی آن دست کم دو بار در برانداختن رژیم ها در کابل نقش مستقیم داشته است، دیپلوماسی موفق و کارآمد در پیش بگیرد. وابستگی افغانستان و پاکستان چندانکه بعضی مفسرین خیال پرداز در کشور ما تصور می کنند متقابل هم نیست. در هر عرصه یی که شما تصور کنید، ما وابسته تر هستیم تا پاکستان. این وابستگی به این زودی ها از بین نمی رود. و به صورت خودکار هم از بین نمی رود. تا زمانی که انسجام در سیاست داخلی به وجود نیاید، و نقش واقعی ملت در تمام عرصه های قدرت ملی نمودار نگردد، غوغاگری ها و غیرت نمایی های بی جای دولتمردان ما جایی را نخواهد گرفت. شما در کجا سراغ دارید که یک حکومت و ملت چند پارچه توانسته باشد گوی سبقت دیپلوماسی را در یک میدان بین المللی ربوده باشد؟

مدیر ورزشی بارسا: هواداران بارسولونا به گومس زمان بدهند

روبرتو فرناندز، مدیر ورزشی بارسولونا، در پایان بازی یک‌شنبه‌شب مقابل لگانس به دفاع از آندره گومس پرداخت. آندره گومس، هافبک پرتگالی، تابستان امسال با رقم ۳۵ میلیون یورو از والنسیا به بارسا پیوست؛ در حالی که از رئال هم پیشنهاد داشت. او بازیکن مورد علاقه انریکه است و حتی در دو سه ماه اخیر، بارها به راکتیج ترجیح داده شده است. نمایش‌های متوسط و بعضاً ضعیف گومس باعث شده تا مورد انتقاد هواداران بارسا قرار بگیرد؛ به طوری‌که یک‌شنبه شب هنگام تعویض شدن با اینستا، به شدت از سوی بارسایی‌ها هو شده.

اینیستا جانشین خود در بارسا را مشخص کرد

فاش ساخت که اینیستا روی چه بازیکنی به عنوان جانشین خودش فکر می‌کند. در جریان بازی سه شنبه شب پاری سن ژرمن و بارسا که با شکست سنگین ۴-۰ آبی اناری‌ها خاتمه یافت، ماتوئیدی در حالی که مارکو وراتی در نزدیکی‌اش حضور داشت، به سمت اینیستا رفت و به وی گفت که روزی او (وراتی) جانشین تو در بارسا خواهد شد. اینیستا هم در پاسخ گفته است که بله، من هم مثل تو فکر می‌کنم.

انریکه به هواداران بارسا: فقط مرا هو کنید

کردند. فکر می‌کنم هو کردن بازیکن تیم محبوب خود، کاری اشتباه است. با این حال هر کسی می‌تواند نارضایتی‌اش را به نحوی نشان بدهد. زمانی قوی‌تر می‌شویم که هواداران از ما حمایت کنند. به خاطر گومس ناراحتم. ترجیح می‌دهم فقط مرا هو کنند و به بازیکنانم کاری نداشته باشند. من برای همین منظور سرمربی بارسا هستم و پس از بازی برابر پاری سن ژرمن، هرگونه انتقادی را می‌پذیرم اما بازیکنان نیاز به کمک دارند تا در بهترین شرایط قرار بگیرند. در این شرایط هواداران باید به ما کمک کنند.»

همسر خامس:

اینیستا را به رونالدو ترجیح می‌دهم

دانیلا اوسپینا، همسر خامس رودریگز، ستاره کلمبیایی رئال مادرید در مصاحبه با رادیو دابلیو به صحبت در مورد خامس، زیدان، اینیستا و رونالدو پرداخت. خامس سال ۲۰۱۴ از موناکو با رقم ۸۰ میلیون یورو به رئال پیوست. او شروعی طوفانی با رئال داشت ولی در دو فصل اخیر، به یک نیمکت نشین تبدیل شده است. گفته می‌شد او قصد دارد زمستان، رئال را ترک کند اما زیدان او را منصرف کرد. همسر خامس (خواهر داوید اوسپینا، دروازه‌بان آرسنال) در مصاحبه با رادیو دبلیو در مورد پیوستن خامس به رئال گفت: «این رویایی بود که محقق شد. خامس همیشه دوست داشت برای رئال بازی کند. هر از چند گاهی به برنابئو می‌رفتم تا بازی‌های رئال را تماشا کنیم.

اطلاع‌رسانی

سه‌شنبه | ۳ حوت، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۲۵۰

کابایرو: کار با گواردیولا قیمت ندارد

ویلی کابایرو، گلر ارجنتاینی که سومین سال حضورش در سیتی را پشت سر می‌گذارد، به سبب اشتباهات زنجیره‌یی کلودیو براوو حالا بیشتر از ابتدای فصل به میدان می‌رود. گواردیولا وقتی هدایت سیتی را بر عهده گرفت، درخواست داد تا جو هارت به باشگاهی دیگر واگذار شود تا بتواند کلودیو براوو را از بارسولونا به خدمت بگیرد. براوو دروازه‌بان مورد علاقه پپ بود ولی اشتباهات تاثیرگذار این دروازه‌بان سبب شده تا سرمربی اسپانیایی سیتی، حالا بیشتر از گذشته روی کابایرو حساب باز کند. این دروازه‌بان ارجنتاینی فصل گذشته نقش مهمی در قهرمانی سیتی در جام اتحادیه داشت. او سه پنالتی لیورپول را مهار کرد تا سیتی فاتح تنها جام فصل خود شود. کابایرو در مصاحبه با وبسایت گول در مورد گواردیولا گفت: «می‌توانید از پپ گواردیولا چیزهای زیادی یاد بگیرید. چه از تمرینات پیش فصل و چه از خود مسابقات. او دید فوق‌العاده‌یی به مسابقات دارد. این که می‌توانیم صدای او را بشنوم چیزی است که نمی‌توان روی آن قیمت گذاشت. گواردیولا همه استراتژی‌ها را به دقت توضیح می‌دهد. چرا باید از دروازه‌بان بازی را شروع کنیم، چرا ارقام از همان ابتدا مهم هستند، چرا گاهی با ۴ یا ۵ مدافع بازی می‌کنیم و این که چطور فضای مناسب برای حمله کردن را پیدا کنیم. توصیه اش به من این است که کنترل بهتری روی توپ داشته باشم. برای امثال ما که عاشق فوتبال هستیم، کار کردن زیر نظر گواردیولا فوق‌العاده است.»

دنی آلوز: دعوای من و رونالدو تقصیر مطبوعات بود

دنی آلوز، مدافع برزیلی یوونتوس از تنش‌های میان او و کریستیانو رونالدو در سال‌های گذشته سخن گفت. در سال‌های گذشته، معمولاً در دیدارهای بارسا و رئال شاهد تنش، درگیری و کشمکش‌های فراوانی بین دنی آلوز و رونالدو بودیم. آلوز گفت: «همه درگیری‌های من با رونالدو به علت شایعات مطبوعات بود. مردم نمی‌دانند که من چقدر برای رونالدو احترام قائل هستم و بارها نیز این موضوع را تکرار می‌کنم. همه از رفتار حرفه‌یی او صحبت می‌کنند و نباید فراموش کرد که او رقیب من در میدان بود و من باید با رونالدو رقابت می‌کردم. من در گذشته گفتم که رونالدو علاقمند است مورد توجه عموم باشد و این بدان معناست که زمانی که شما پیروز باشید به عنوان یک ستاره شناخته می‌شوید اما در زمان شکست اینگونه نیست و من این صحبت را در کمال احترام مطرح کردم و من همین اعتقاد را در مورد مسی و نیمار هم دارم. اما افکار من منفی نبوده و این اتفاقات زمانی که در مطبوعات منعکس می‌شود، برای فروش بیشتر تفاوت زیادی با حقیقت پیدا می‌کند و رونالدو این صحبت‌ها را باور کرده بود. به همین دلیل در مراسم توپ طلای ۲۰۱۵ او به من تبریک نگفت. من دلیلی برای صحبت کردن در مورد افراد، پیش روزنامه‌ها نمی‌بینم و هیچگونه خود بزرگ بینی در من نیست.»



زیدان و پافشاری بر سیستم چرخشی

و په‌په، برای اولین بار پس از ماه دسامبر در ترکیب اصلی رئال قرار گرفت و جانشین راموس شد. ایسکو در خط میانی به میدان رفت تا رقابت کوچکش با خامس که در چمپیونزلیگ فیکس شده بود ادامه پیدا کند. متسو کوچیچ، لوکاس واسکز و آلوارو موراتا همگی از ابتدا در ترکیب قرار گرفتند و زیدان، قدرتش را در استراحت دادن به راموس و رونالدو بدون ایجاد هیچگونه مشکل روحی در تیم نشان داد تا سپیدپوشان به ادامه تلاش برای قهرمانی ادامه دهند.

کوتنه: امیدوارم تری همه جام‌ها را بالای سر ببرد

امضا می‌کنم که تری در پایان فصل جام را بالای سر خواهد برد. می‌خواهم شفاف صحبت کنم، اگر هر بازیکنی شایسته بازی کردن باشد، خوشحال می‌شوم که به او فرصت دهم ولی نه از روی عاطفه و یا اینکه بازی دادن به همه بازیکنان کار درستی است. جان تری شایسته بازی کردن است و او خیلی خوب کار کرده و من برایش خوشحالم. به نظر من او بازیکن بسیار مهمی برای ماست، کاپیتان تیم است و داخل و خارج زمین بسیار موثر است.»

لوو: باید بتوانیم مسی و رونالدو را شکست دهیم

حدی خوب باشند که بتوانند بازیکنان بزرگ را شکست دهند. او گفت: «تعداد بازیکنان آماده ما مثل همیشه نیست. ما درباره شکست دادن مسی و رونالدو برای قهرمان شدن صحبت می‌کنیم. اگر کسی در بوندس لیگا خوب کار می‌کند، بدین معنی نیست که در مقدماتی جام جهانی که برای قهرمانی در جام باید در آن خوش درخشید، خوب کار کند. ما راجع به کلاس جهانی صحبت می‌کنیم، کلاس جهانی خالص.» آلمان با استرالیا، شیلی و کامرون در گروه B هم‌گروه است.

بار تومئو: از عملکرد انریکه راضی هستیم

به سختی موفق شدند لگانس را شکست دهند تا به رقابت با رئال ادامه دهند. با این وجود، بارتومئو به حمایت از انریکه و تیمش پرداخت. او گفت: «لوئیس انریکه مربی است که ما می‌خواهیم. او عالی کار کرده و با وجود انتظاراتی که در پاریس از او می‌رفت، ما از او راضی هستیم.»

ونگر: اولین بار که شکست خوردم حالم بد شد

احساسم پس از شکست را به شما منتقل کنم. یکی از بازیکنانی که من در ۳۳ یا ۳۴ سالگی مربی او بودم، گفت که پس از اولین شکست حال من بد شد، چه جوان باشید و چه با تجربه، هر شکستی تلخ است. من مثبت نگر هستم. می‌جنگم و گرنه برای مدت طولانی در یک تیم ماندگار نمی‌شوید. همیشه به آینده مثبت نگاه کرده‌ام. از خارج تیم و خودم انتظار زیادی ندارم، تمام انتظار من از داخل است.»

زین الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید همچنان بر سیستم چرخشی خود تاکید دارد و آن را ادامه می‌دهد.

روز شنبه که رئال به مصاف اسپانیول رفت، زیزو به چندین بازیکن اصلی خود از جمله مودیچ، ناواس و بنزما استراحت داد که این تعویض‌ها باعث تعجب هواداران شده بود. کیکو کاسیا که پس از حذف رئال از جام حذفی نیمکت‌نشین شده بود، در درون دروازه رئال قرار گرفت. ناچو فرناندز نیز جانشین مارسلو شد تا مدافع برزیلی استراحت کند

آنتونیو کوتنه، سرمربی چلسی ابراز امیدواری کرد که جان تری در فصلی که احتمالاً در پایان آن خداحافظی خواهد کرد، جام‌ها را بالای سر ببرد.

بر خلاف بیشتر بازی‌های فصل، تری در دیدار مقابل وولورهمپتون از ابتدا در میدان قرار گرفت. مدافع ۳۶ ساله در پایان فصل با اتمام قراردادش، احتمالاً از میادین فوتبال خداحافظی خواهد کرد و کوتنه تاکید کرد که دوست دارد تری خداحافظی با شکوهی داشته باشد.

او گفت: «هر کجا که لازم باشد

یواخیم لوو، سرمربی تیم ملی آلمان تاکید کرد که بازیکنان جوان آلمان باید به حدی خوب باشند که بتوانند در جام کنفدراسیون‌ها مسی و رونالدو را شکست دهند.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر، در هر تابستان تورنمنت ملی برگزار شده، انتظار می‌رود یواخیم لوو از بازیکنان جوانش در جام کنفدراسیون‌های پیش رو استفاده کند. تیم‌هایی مثل پرتغال، شیلی، روسیه و… در این جام حضور خواهند داشت ولی لوو معتقد است که بازیکنان جوان باید به

جوزپ ماریا بارتومئو، سرمربی بارسولونا تاکید کرد که هر چند از شکست مقابل پاری سن ژرمن ناراحت است ولی او سرمربی مطلوب باشگاه است.

بارسا با هدایت انریکه با نتیجه ۴-۰ مقابل پاری سن ژرمن شکست خورد و در آستانه حذف از چمپیونزلیگ قرار دارد. آن‌ها یک‌شنبه شب همین هفته نیز

آرسن ونگر، پس از شکست ۵-۱ مقابل بایرن مونیخ به شدت تحت فشار قرار گرفته است. بسیاری معتقدند که دوران او در آرسنال به پایان رسیده و باید این تیم را ترک کند. حال او از خاطرات اولین حضورش روی نیمکت تیم‌ها صحبت کرد. او گفت: «من یک جنگنده هستم. برای همه چیز رقابت می‌کنم زیرا اینطور به دنیا آمده‌ام. وقتی یک بازی را ببازم، قبولش برایم بسیار دشوار است. هر شکستی سخت است. هیچگاه نمی‌توانم

قدرت الله احمدی

سایه‌ی سیاه تروریزم بر روابط کابل - اسلام آباد



پس از حمله‌ی مرگبار انتحاری هفته‌ی گذشته بر مزار صوفیان در ایالت سند پاکستان، رابطه‌ی اسلام‌آباد - کابل بار دیگر متشنج گردیده است. این حمله که منجر به کشته شدن بیش از هفتاد تن گردید، خشم مقام‌های پاکستانی را برانگیخته و فرصتی را فراهم آورد تا آن کشور پاسخ انتقاداتی را که طی سال جاری علیه آن از سوی دولت افغانستان وارد شده بود پاسخ گوید.

دولت افغانستان پس از ناکامی نشست‌های چهارجانبه میان افغانستان، پاکستان، امریکا و چین، انتقادات گسترده‌ی را علیه پاکستان مطرح کرد و بارها در مجامع بین‌المللی و محافل سیاسی از دست داشتن پاکستان در ناامنی‌های افغانستان یادآوری کرد. حکومت وحدت ملی برخی تلاش‌های دیپلماتیک را نیز به راه انداخت تا فشارهای بین‌المللی بیشتری را بر پاکستان وارد کند و در این زمینه تا حدودی هم موفق گردید. پاکستان در طول یک سال گذشته، در مجامع بین‌المللی با اتهام حمایت از تروریزم مواجه بود. این اتهامات بیش از هر جای دیگر در میان سیاست‌مداران امریکایی بیشتر بود. کمیته‌ی روابط خارجی کنگره‌ی امریکا در ماه سرطان سال روان، جلسه‌ی ویژه‌ی را برای بررسی سیاست‌های این کشور در پاکستان برگزار کرد. در این نشست سخنان تنیدی علیه پاکستان مطرح شد و زلمی خلیل‌زاد سفیر پیشین امریکا در کابل پیشنهاد کرد که نام دولت پاکستان در فهرست سیاه کشورهای حامی تروریزم درج شود. در ماه میزان نیز دو عضو کنگره‌ی امریکا، خواهان آن شدند تا پاکستان در فهرست سیاه کشورهای حامی تروریزم قرار داده شود. تدپو نماینده‌ی تگزاس و دانا رهبریکر نماینده‌ی کالیفورنیا در کنگره‌ی امریکا طرحی را تدوین کردند تا براساس آن پاکستان را در فهرست کشورهای حامی تروریزم قرار دهند.

وقوع این حمله‌ی مرگبار در پاکستان، بهانه‌ی را به دست مقام‌های پاکستانی داد تا با انتقاد مشابه از دولت افغانستان بپردازند. این حمله در آستانه‌ی برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ صورت گرفت و برای پاکستانی‌ها بهترین فرصت بود تا با طرح ادعاها و اتهاماتی علیه دولت افغانستان، فشارهایی را که از سوی جامعه‌ی بین‌المللی علیه پاکستان وجود دارد اندکی کاهش دهد. مقام‌های پاکستان عامدانه این حمله را بزرگنمایی کردند و با اقدامات غیرمتعارف و حملات لفظی تندوتیز علیه دولت افغانستان، خواست افکار عمومی جهان را نسبت به خود تا حدودی تغییر دهد. نزدیکی این رویداد از لحاظ زمانی با مهمترین نشست بین‌المللی در مورد امنیت جهان از یکسو و در شرایطی که اتهام حمایت از تروریزم توسط دولت پاکستان در افکار عمومی جهان تقویت می‌شود، از سوی دیگر، پاکستانی‌ها را متقاعد کرد تا یکبار دیگر دولت افغانستان را هدف انتقادات گسترده‌ی خود قرار بدهد.

وقوع این رویداد نیروهای امنیتی پاکستان به‌خصوص ارتش و سازمان استخبارات آن کشور را به‌شکل بی‌پیشینه‌ی در مظان داوری افکار عمومی قرار داد. ضعف نیروهای امنیتی پاکستان

نسبت خود با آن، به «خوب و بد» تقسیم می‌کند و هیچگاهی نگرش روشن و مشخصی در قبال همه‌ی گروه‌های تروریستی نداشته است. بنابراین، در برخورد با تروریزم حتی در داخل پاکستان دچار خطاهای استراتژیک شده و طعم تلخ آن را نیز بارها چشیده است. اکثر گروه‌هایی که در منطقه درگیر فعالیت‌های تروریستی‌اند، به‌نحوی در رویدادهای تروریستی در پاکستان و افغانستان دست دارند، در حالی که پاکستان به‌خصوص دستگاه‌های امنیتی و استخباراتی آن با بازی پیچیده با ابزار تروریزم سعی در خوب و بد کردن آنان دارد.

بدیهی است که چنین رویکردی نسبت به تروریزم هیچ‌گاهی به نتیجه نخواهد رسید. برخورد گزینشی با تروریزم، تبادل فهرست گروه‌های تروریستی و درخواست برخورد با افراد و حلقه‌های مشخص نمی‌تواند مسأله‌ی تروریزم را حل و فصل کند. هردو کشور در حال حاضر قربانی فعالیت‌های تروریستی گروه‌های مختلف‌اند و برای نجات از این وضع باید اقدامات وسیعی را برای از بین بردن ریشه‌های تروریزم فارغ از وابستگی‌های سیاسی و هویتی آنان، انجام دهند. در صورتی که این اقدام صورت نگیرد و رویکردهای گزینشی در برخورد با تروریزم وجود داشته باشد، شمار قربانیان تروریزم روبه‌رشد در منطقه افزایش خواهد یافت.

زیادی است. این ناکامی‌ها نه تنها وجهه‌ی ارتش و نیروهای امنیتی آن را خدشه‌دار می‌سازد، بلکه باعث می‌شود استفاده‌ی نامحدود آن‌ها از امکانات و منابع مالی پاکستان نیز با پرسش‌های جدی مواجه شود. بنابراین برای پاکستان به‌خصوص نظامیان آن کشور آسان‌ترین راه این است تا مشکلات موجود را به بیرون ارجاع داده و افکار عمومی را متوجه مسائل فرعی و حاشیه‌ای دیگر سازند. برای همین، پاکستان به‌دنبال این رویداد در گام نخست تلاش کرد انگشت انتقاد را به سوی دولت افغانستان بلند کند و به‌دنبال آن با اقدامات نمایشی دیگر از جمله رفتارهای غیرمتعارف دیپلماتیک، بستن مرزها، حملات راکتی و تحویل فهرست تروریستان به دولت افغانستان خود را از مواجهه با فشار افکار عمومی در داخل نجات دهد.

یکی از دلایلی که باعث ناکامی نیروهای امنیتی پاکستان در مواجهه با تروریزم گردیده است، استانداردهای دوگانه‌ی آن کشور با مسأله‌ی تروریزم و رفتار غیر روشن آن با گروه‌های مختلف فعال در منطقه می‌باشد. ارتش پاکستان اگر از یک‌طرف علیه برخی از گروه‌های تروریستی در داخل آن کشور وارد جنگ می‌شود، از طرف دیگر برخی گروه‌های دیگر را به‌شکل روشن مورد حمایت خود قرار می‌دهد و از آن به‌منابه‌ی ابزار استراتژیک در معادلات منطقه‌ی بهره می‌گیرد. پاکستان تروریزم را برحسب

در جلوگیری از این رویدادها کاملاً آشکار است و این نه تنها عملکرد کنونی آنان را مورد پرسش قرار می‌دهد، بلکه اقدامات گذشته‌ی آنان را با پرسش‌های جدی مواجه می‌سازد. ارتش پاکستان بارها عملیات‌های گسترده‌ی را علیه شورشیان و گروه‌های تروریستی در خاک خود به‌راه انداخته و گفته‌اند که تا نابودی کامل آنان دست از کار برنخواهند داشت. نخستین حمله‌ی گسترده‌ی ارتش پاکستان در سال ۲۰۰۹ علیه طالبان پاکستانی به‌راه انداخته شد. این عملیات که به «راه نجات» مسما بود، با شکست مواجه شد و ارتش آن کشور با دادن تلفات زیاد نتوانست به موفقیت دست یابد. عملیات مهم دیگر ارتش پاکستان تحت عنوان «ضرب عذب» در سال ۲۰۱۴ راه‌اندازی شد و با وجودی که برای مدت زیادی دوام یافت، اما نه تنها موج ناامنی و خشونت را در پاکستان کاهش نداد، بلکه حملات تروریستی در آن کشور نیز افزایش پیدا کرد. عملیات خرد و کوچک دیگر نیز بارها در بخش‌های مختلف پاکستان از سوی ارتش آن کشور راه‌اندازی شده‌اند که دست‌کم تاکنون نتیجه‌ی ملموسی را در پی نداشته است. عدم دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب در این حملات، ارتش قدرت‌مند پاکستان را در معرض داوری افکار عمومی قرار داده است. این شکست‌ها و ناکامی‌های پیاپی برای ارتش قدرت‌مند پاکستان و سازمان استخبارات آن، مایه‌ی خفت

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

- 1 مسافری محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافری گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.